

جهان نوین

شماره دوازدهم / دی ۱۳۸۹

Email: jahanenovin@gmail.com
<http://jahanenovin.blogspot.com>

- صفحه ۲ به مناسبت یکمین سال انتشار جهان نوین
- صفحه ۳ سرمقاله: ۱۶ آذر هم چنان موتور محرکه خواست‌های مردم است
- صفحه ۴ آن سوی خبرها
- صفحه ۷ اخبار کارگری
- صفحه ۹ اخبار دانشجویی
- صفحه ۱۲ طبقه‌ی کارگر اروپا و طرح هدفمندی یارانه‌ها
- صفحه ۱۴ کار برده‌سان
به مناسبت روز جهانی مبارزه با سانسور:
- صفحه ۱۶ فرهنگ حذف و سیاست سانسور
- صفحه ۱۹ شعر: جسدی در شهر
- صفحه ۱۹ رسوایی سیاست رسمی
- صفحه ۲۱ حقوق بشر ما، حقوق بشر آنها
- صفحه ۲۲ شعر: قلب فروزان سه مشعل آذر
- صفحه ۲۲ شعر: دیوار نازک سکوت شکست
- صفحه ۲۳ گزارش تصویری: تحصیلات رایگان همین حالا



نیمه شب شنبه ۲۷ آذر ۸۹، ماموران امنیتی با ورود به منزل فریبرز رییس دانا، عضو کانون نویسندگان و از یاران کانون مدافعان حقوق کارگر، او را بازداشت کردند. این دستگیری، ساعاتی پس از اعلام رسمی اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و مصاحبه رییس دانا و انتقاد از این طرح صورت گرفت.



حبیب الله لطیفی در آستانه اعدام

صالح نیکبخت، وکیل حبیب الله لطیفی دانشجوی کرد گفت حکم اعدام موکلش به او ابلاغ شده و قرار است که روز یکشنبه پنجم آذر ۱۳۸۹ اعدام شود. حبیب الله لطیفی دانشجوی دانشگاه آزاد ایلام، که به اتهام محاربه محکوم به اعدام شده است، هم اکنون در زندان سنندج به سر می‌برد. وی در اول آبان ۸۶ دستگیر شده و به این زندان سنندج منتقل شد. در تاریخ ۱۷ خرداد امسال، حکم اعدام او به اتهام محاربه، در سایت‌های خبری منتشر شد. صالح نیکبخت، پیش از این در مصاحبه‌ای گفته بود که حبیب الله لطیفی، در دفاعیات خود در دادگاه، این اتهام را رد کرده است.

به مناسبت یکمین سال

انتشار جهان نوین

اولین شماره جهان نوین در آذر ماه سال گذشته و با تلاش دانشجویان مدافع حقوق کارگر منتشر شد. در آن دوره پر التهاب، که کف خیابان‌ها مملو از مردمی بود که شعارهای آزادی‌خواهانه و تغییرطلبانه می‌دادند، شاید طنین جهان نوین چندان به گوش نرسید.

در شماره‌های ۱۲ گانه جهان نوین، در یک سال گذشته، تلاش بر آن بوده که نشان دهیم اگر خواسته‌ها و اعتراضات، جنبه مشخص اجتماعی و طبقاتی خود را روشن نکنند و بر پایه استوار شکل‌های صنفی و طبقاتی نباشند، نمی‌توانند تغییرات اساسی و بی‌بازگشت را در جامعه ایجاد کنند؛ تغییراتی که بر مبنای خواسته‌های آنی و زودگذر نباشد، بلکه مبنای آن، به‌طور مشخص بر پایه تولید و انسان‌گرایی قرار داشته باشد؛ خواسته‌هایی که در آن زحمت‌کشان و مزدبگیران و کارگران بتوانند بر حول آن، شکل‌های صنفی و طبقاتی خود را ایجاد کنند و با بیان خواسته‌های خود بر این مبنای، نهادهای دموکراتیک و آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه را گسترش دهند.

ما با این اعتقاد آغاز کردیم که اگر اعتراضات اجتماعی در جنبش‌های آزادی‌خواهانه، مبنای مشخص خود را بیان نکنند، به زودی به خاموشی می‌گریند. آغاز کردیم و تلاش نمودیم که در این حرکت اجتماعی، خواسته‌های مشخص کارگران، زنان، دانشجویان و سایر اقشار تحت ستم را به صورت شفاف و روشن بیان کنیم.

ما تا آنجا که در توان داشتیم، مبنای حرکت‌های اجتماعی، سازماندهی و شکل‌های مستقل مردمی بر اساس خواسته‌های مشخص اجتماعی و اقتصادی را، در ۱۲ شماره جهان نوین بیان کردیم. اکنون نیز با بیان این‌که وحدت خواسته‌های مردم، در پایه‌گذاری یک جامعه آزاد و دموکراتیک است که در آن حقوق همه اقشار زحمت‌کش، حقوق-

بگیران، کارگران، زنان و دانشجویان رعایت شود، بار دیگر تاکید می‌کنیم که خواسته‌های به‌حق مردم، سر خاموشی و سکوت ندارد و تا حل تضادهای غیر انسانی جامعه سود محور کنونی و رفع ستم‌های موجود در جامعه، این اعتراضات به اشکال مختلف ادامه خواهد داشت.

بدون هرگونه تعارف و شکسته‌نفسی، می‌دانیم که نقاط ضعف و کمبودهای فراوانی داریم و نیازمند نظرات نقادانه دل‌سوزان جنبش‌های کارگری، زنان، دانشجویان، معلمان و... هستیم. این نشریه را از آن خود بدانید و ما را از کمک‌های ارزشمند

اکنون نیز با بیان این‌که وحدت خواسته‌های مردم، در پایه‌گذاری یک جامعه آزاد و دموکراتیک است که در آن حقوق همه اقشار زحمت‌کش، حقوق- بگیران، کارگران، زنان و دانشجویان رعایت شود، بار دیگر تاکید می‌کنیم که خواسته‌های به‌حق مردم، سر خاموشی و سکوت ندارد و تا حل تضادهای غیر انسانی جامعه سود محور کنونی و رفع ستم‌های موجود در جامعه، این اعتراضات به اشکال مختلف ادامه خواهد داشت.

خود در تمام زمینه‌های کاری محروم نسازید: با ارسال مقاله، خبر، عکس و هم‌چنین تهیه گزارش، داستان کوتاه، شعر و طنز. با تکثیر و پخش آن، به‌ویژه در میان کارگران و دانشجویان مبارز و... به هر شیوه و شکل ممکن، ما را یاری کنید.

آنچه در زیر می‌خوانید بخشی از نظرات دوستان است که در قسمت کامنت‌های وبلاگ جهان نوین به آدرس:

<http://jahanenovin.blogspot.com>

درج شده است. سعی کرده‌ایم از تعاریف چشم-پوشی کنیم و انتقادات را بازنویسی کنیم تا فراموش نکنیم که راه درازی در پیش داریم.

از همه این دوستان که صادقانه نظرات‌شان را با ما در میان گذاشته‌اند ممنونیم.

برای شماره ۱۱ جهان نوین، دوستی چنین نوشته‌اند:

با سلام من ۵ شماره از مجلات جهان نوین را خواندم. من در عمرم با مجله‌ای اینقدر احساس یگانگی نکرده‌ام... عمرش دراز باد و خواننده‌اش بی‌شمار. من از صمیم قلب می‌گویم و اهل تعارفات کشکی نیستم. تنها عیب قابل‌رفعی که دارد و این عیب اکثریت منابر است، جویدن لقمه اندیشه و نهادنش در دهان خواننده است. خواننده لقمه‌های سهل‌القورت مجله را به آسانی حلیم می‌بلعد و سر به بالین می‌نهد و می‌خسبد... نشریه باید خواننده را به تفکر و عمل شعورمند سوق دهد، خواننده را باید به تفکر وا دارد، خواننده را باید به پرسش و جست‌وجو وا دارد، به خود اندیشی راهنمایی کند. اگر روزی این عیب محتوایی - ماهوی را رفع کند، برای آن نظیری وجود نخواهد داشت. با پوزش

جهان نوین: نیازی به پوزش انتهایی نیست. ممنون از بیان صادقانه انتقادات. قصد ما این نبوده و نیست که حلیم سهل‌القورتی تهیه کنیم که خواننده را به خواب خوش فرو برد. ما هم می‌خواهیم خواننده را به پرسش و جست‌وجو و هم‌چنین به تفکر و عمل شعورمند دعوت کنیم. اگر در این مسیر موفق نبوده‌ایم، به‌خاطر این است که آماتوریم و نیازمند راهنمایی. آماده شنیدن و به‌کار بستن راه‌کارهای اجرایی عملی و علمی در این زمینه هستیم.

دوستی برای مقاله روپسیر فرمان را دیر امضا کرد چنین نوشته‌اند:

با سلام. نوشته مختصر و ارزشمندی است. ای-کاش نویسنده به بررسی عمیق‌تر مساله پرداخته بود. ماجرا مرا به یاد آنده انداخت. آنده هم حتی حاضر نشد برای روز مبادا تدارک و آموزش مقاومت قهرآمیز را ببیند. اکنون هر بار... برای آنده سینه می‌زنند و اشک می‌ریزند، ولی کسی تا

بر آن سنگینی می‌کند. راجع به خودتان به مخاطب هیچ اطلاعاتی نداده‌اید! این خود عامل سلب اعتماد از ایجاد ارتباط و تعامل است.

جهان‌نوین: تا حد امکان، در مقالات و گزارش‌ها و در این ۱۲ شماره، نظرات خود را به شکل روشن بیان کرده‌ایم و فکر می‌کنیم آشنایی با نظرات، بهترین راه به‌دست آوردن شناخت است.

کشان [روبرو است]. خودکشی آینده را می‌توان دلیلی بر دیر آمدن گوشی به دستان شریفش، تلقی کرد و با دیر امضا کردن روبه‌پیر، مقایسه کرد. البته ماجرای روبه‌پیر باید عمیق‌تر حل‌اجی شود.

جهان‌نوین: با شما موافقیم.

برای سرمقاله **روز کارگر/ روز معلم** چنین نوشته‌اند:

با سلام! نشریه فاخری دارید، ولی سایه‌ای از ابهام

کنون به تحلیل علمی ماجرا نپرداخته است تا به قول نویسنده این مطلب، درس‌آموز باشد. خیلی از عوام چپ‌نما فکر می‌کنند که تئوری برای پز دادن است و یا اسباب‌بازی‌ای برای فخرفروشی است. ولی تئوری دست‌ورالعمل است... عدم تمکین به قوانین طبیعی و اجتماعی، بدترین خصلت هر مبارز و هر رهبر است. چون او فقط با خون خود بازی نمی‌کند، بلکه با زجر و شکنجه و کشتار هزاران نفر و به عقب افتادن امر رهایی زحمت-

سرمقاله

۱۶ آذر هم‌چنان موتور محرک خواست‌های مردم است

به نظر می‌رسید که حرکت‌های سال گذشته، که بهانه اعتراض به نتایج انتخابات آغاز شده بود، قدری فروکش کرده باشد. این فروکش از آنجا بیشتر نمایان می‌شد که کاندیداهای معترض به انتخابات، صراحتاً از مردم خواستند که در تظاهرات بدون مجوز شرکت نکنند و به دلیل این-که وزرات کشور مجوز اعتراض نداده است، مردم را از شرکت در اعتراضات منع کردند. اما دانشجویان نشان دادند که به‌هیچ وجه منتظر مجوز کتبی برای بیان اعتراضاتشان نیستند.

چرا دانشجویان موتور محرک این حرکت اجتماعی هستند؟ دانشجویان با وضعیت ویژه‌ای که دارد، همواره می‌تواند محور تقاطع خواسته‌های اقشار مختلف مردم باشد، چرا که دانشجویان خود نیروی کار آینده است. او اکنون زندگی می‌کند و به آینده‌ای که از آن اوست، نظر دارد. دانشجوی خود می‌داند که آینه خواسته‌هایی است که پیش چشمش قرار دارد.

دانشجویان به‌خصوص در کشور ما، آینه تمام‌نمای خواسته‌های مردم هستند. چرا که دولت‌مردان و صاحبان قدرت، فرزندان خود را کمتر به دانشگاه‌های داخل کشور می‌فرستند. البته نه به‌طور مطلق، بلکه غالباً فرزندان دولت‌مردان و



صاحبان سرمایه و قدرت، ترجیح می‌دهند در کشورهای فخریه و ماورا بحار، زندگی و تحصیل کنند. سال گذشته آماری که مبنی بر وجود ۴۵۰۰ آفازاده در لندن منتشر شد، بیان‌گر همین وضعیت است.

اگر هم آفازاده‌های درجه ۲ در دانشگاه‌های داخلی مشغول به تحصیل شوند، میان آنها و توده دانشجویان، به‌سرعت فاصله می‌افتد، زیرا آنان خود را از جنس دیگر می‌دانند. البته این مساله تقصیر آن آفازاده‌ها نیست، بلکه شکاف طبقاتی در جامعه، این وضعیت را تحمیل می‌کند.

علاوه بر موارد فوق، اصولاً فرزندان صاحبان قدرت و سرمایه، چندان لزومی به کسب علوم و ادامه تحصیل نمی‌بینند، زیرا آنان در زندگی روزمره خود، بی‌نیاز از کسب تخصص‌اند. در حقیقت کسب تخصص را، تنها زمینه‌ای برای انتخاب کار و شغل مناسب می‌دانند که البته شغل و کار برای آنان، از همان دوران تحصیلات دبیرستانی، پیشاپیش فراهم است.

در نتیجه توده دانشجویان، بیان‌گر بخش‌های مختلف مردم عادی جامعه‌اند. آنان که هیچ پشتوانه و تضمینی برای شغل آینده خود ندارند و چاره‌ای هم جز کسب تخصص برای تامین آینده فرزندان‌شان ندارند. بی‌جهت نیست که آمارها نیز گویای همین مساله است که دانشجویان، چه در دانشگاه‌های دولتی و چه خصوصی، با اکثریت بالایی، از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند که با سختی و زندگی ساده، آشنایی کامل دارند. آنان

طعم تلخ فروش نیروی کار توسط پدران و مادران‌شان را چشیده‌اند و به‌خوبی اختلاف طبقاتی و استثمار را درک می‌کنند.

از منظر دیگر، دانشجویان در رده‌های مختلف نیروی کار آینده هستند که آموزش‌دهندگان آنان و صاحبان قدرت، آنان را برای تداوم و تضمین گردش چرخ آینده جامعه، در نظر دارند. قدرت-مندان و صاحبان سرمایه نیز به دانشجویان، به‌عنوان نیروی کار آینده نگاه می‌کنند که باید مطیع و سربه‌زیر بوده و آموزش‌های خاص طبقاتی را جذب کند تا بتواند در آینده، برای افزایش سرمایه آنان و تولید ارزش افزوده برای‌شان، کار کند. در نتیجه تمام توان‌شان را به کار می‌گیرند تا از دانشجویان، نیروی مناسب را برای گردش چرخ نظام طبقاتی فراهم سازند.

بدین‌ترتیب دانشجویان در معرض دو کنش واقعی جامعه قرار دارد:

از طرفی، تلاش نیروهای واپس‌گرا در آموزش و

می‌توان از شرایط حاکم بر دانشگاه‌ها مشخص کرد. ناتوانی قدرت‌مداران در مهار جنبش دانشجویی، بیان‌گر آن است که خواست‌های مردم، هم‌چنان به‌رغم دستگیری، زندان، شکنجه، تجاوز و کشتار در سال گذشته، هم‌چنان پابرجاست. دستگیری‌های گسترده و زندان درمانی و انواع و اقسام فشارها نتوانسته است جنبش مردمی را مهار کند. چراغ سبز اقتدارگرایان به سرمایه‌داران و قدرت‌مدان جهانی و اجرای طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها (حذف سوبسیدها) نیز نتوانسته است هیچ مشکلی را برای آنان در داخل حل کند. آینده نیز ثابت خواهد کرد که ترفندهای مقابله با جنبش مردمی و در قلب آن جنبش دانشجویی، ناکارآمد خواهد بود.

خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و در یونان و... به وضعیت اشتغال و تورم و ... معترض شدند. هر چند همان‌طور که گفته شد، وضعیت دانشجویان در ایران، به‌خاطر فاصله بیشتر طبقاتی، شرایط ویژه‌ای نیز دارد. به‌هر روی، شرایط فوق که دانشجویان را در معرض کشاکش طبقاتی قرار داده است، دانشگاه را به‌صورت آینه‌ای از خواست‌های جامعه در آورده است. هیچ جنبش اجتماعی، بدون حضور دانشجویان به منصفه ظهور نرسیده است و هیچ حکومتی، بدون در نظر گرفتن خواست‌های دانشجویان، نتوانسته است برنامه‌های خود را به پیش ببرد. به‌همین جهت، نوک پیکان حمله سرکوب‌گران، همواره به‌طرف دانشجویان بوده است و درجه سرکوب و اختناق در جامعه را،

تربیت او، برای تبدیلش به نیروی مطیع و سر به راه است و در این زمینه تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا او را برای آینده آماده کرده و از او نیروی مناسب برای گرداندن چرخ‌ها به‌کام خود بسازند. از طرف دیگر، دانشجویان که اکثریت بالای آنان برآمده از طبقات مزدبگیر و زحمت‌کش جامعه هستند، آینده خود را در آینه نسل گذشته خود می‌بینند که باید حداقل سی سال پس از پایان تحصیل، جان بکنند تا سرمایه‌داران را سرمایه‌دارتر کنند و منصب صاحبان قدرت را تضمین هم کنند. این مساله را حتا در اعتراضات اخیر دانشجویی در اروپا شاهد هستیم. دانشجویان در فرانسه به قانون افزایش سن بازنشستگی، به‌همراه کارگران شاغل اعتراض کردند، همان‌گونه که در انگستان نیز به

آن سوی خبرها

و ... می‌گذرانید؟ چرا هیچ‌کس پاسخ‌گوی مطالبات عقب‌افتاده ما نیست و با این‌که بعضی از سالن‌ها و خطوط تولیدی شرکت مشغول فعالیت هستند، معلوم نیست پول‌های اخذ شده از طرف‌های قرارداد، کجا هزینه می‌گردد و برای رشد و تعالی این واحد تولیدی و پرداخت مطالبات کارگران، هزینه نمی‌شود؟!

یکی از کارگران هم اظهار داشت: اگر مدیریت بخواهد و مواد اولیه یکی دو خط تولید را مهیا و در اختیار کارگران قرار دهد، می‌توانیم طی دو ماه تمام مطالبات عقب‌افتاده کارگران را پرداخت نموده و انگیزه تولید، کار، تلاش و سازندگی را به شرکت هدیه دهیم و بیش از ۲۰۰ جوان جویای کار را استخدام نماییم.

این آقایان که دست به واگذاری‌شان خوب است. تلاش کنید شاید نتیجه داد!

شرکت تاپ‌خودرو که نماینده انحصاری دایملر مرسدس بنز آلمان در ایران است، با ۲۰۰ کارمند تا کنون حدود ۵۰۰ دستگاه خودروی بنز کلاس

سمت برویم آن‌وقت دولت کوچک و با کارایی بالا نیز معنا پیدا می‌کند.

اما معاون وزیر کار نگفت: این همه فوق پول‌دار اطراف دولت، که دولت را این‌گونه فربه کرده‌اند، کی و کجا کار کرده‌اند؟

روزنامه کار و کارگر: کارگران شرکت قطعات فولادی کلاک کرج ۵ ماه است که حقوق نگرفته‌اند و از این ناحیه دچار مشکلات حاد در تأمین معیشت خانواده شده‌اند و خسارات جبران ناپذیری دیده‌اند. در این شرکت با اجرای طرح کاهش نیروی کار، فشار کار را روی یک شیفت گذاشته‌اند و سه شیفت کار را به یک شیفت تبدیل کرده و تعداد زیادی از کارگران را اخراج کرده‌اند. کارگران این شرکت پس از تحمل ۵ ماه بی‌حقوقی، دست به یک حرکت اعتراضی زدند و با طرح مطالبات و مشکلات خود، از نمایندگان مجلس، دولت و مقامات محلی پرسیده‌اند: اگر شما هم ۵ ماه حقوق نگیرید، چطور زندگی روزمره را با این همه معضلات مشکلات، گرانی

حمید حاجی عبدالوهاب معاون وزارت کار روز گذشته درگفت و گو با خبرگزاری مهر اعلام کرد:

نظام حقوق روزمزدی به کارمزدی تغییر خواهد کرد. وی با تأکید بر برنامه‌ریزی دولت در راستای کاهش حضور فیزیکی افراد گفت: امروز یکی از معضلات کشور فربه بودن دولت است. تغییر نظام روزمزدی به کارمزدی و هم‌چنین عدم اعتقاد به ۸ ساعت کار روزانه، در اسلام نیز سفارش شده است. دنیا نیز به این موضوع توجه دارد. این مساله صرفاً مربوط به دولت نیست که بگوییم کارمندان دولت بیایند و وارد این سیستم شوند، چون پولی که دریافت می‌کنیم از منابعی چون مردم و از طریق مالیات، درآمد ملی و نفت است که به ما پرداخت می‌شود. همان‌طور که توقع داریم وقتی فردی را در قالب نیروی کار ساختمانی و برای تمیز کردن منزل استخدام می‌کنیم باید خوب کار کند تا به وی مزد بپردازیم، هر کسی که کار کرد پول بگیرد، نه اینکه افراد کار نکنند و پول دریافت کنند. حال اگر ما به این

آن سوی خبرها

ای تولید کرده است. این شرکت با توجه به تحریم بین‌المللی ایران و نیز مدیریت ناکارآمد اکنون در حال تعطیلی است. شرکت تاپ‌خودرو زیر مجموعه شرکت ایران‌خودرو می‌باشد. این شرکت ۱۷۰ نفر از کارکنان خود را اخراج کرده است و تنها با ۳۰ نفر اداره می‌شود. کارکنان اخراجی این واحد تولیدی برای گذران زندگی خود با مشکل جدی مواجه شده‌اند. این در حالی است که برنامه هدف‌مندی! یارانه‌ها نیز پیشاپیش بر گرانی و نگرانی افزوده است.

بالاخره که چی؟ نگرانی که دردی را درمان نمی‌کند. باید ...

فرمانده لشکر ثارالله کرمان در همایش بسیجیان گردان عاشورا گفت: ۳۵۰ میلیون دلار بودجه‌ای است که هر ساله به گردان‌های عاشورا و الزهرا اختصاص می‌یابد.

لابد مسافرن و برای همین دلار احتیاج دارن

رییس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی: اردوگاه کار اجباری در انتظار خرده‌فروشان مواد مخدر است. سردار حسین-آبادی گفت که خرده‌فروشان مواد مخدر در اردوگاه‌های کار اجباری به‌سختی و به شدت به‌کار گرفته خواهند شد.

بهرتر از این نمی‌شد برای استفاده از کار مفت برنامه‌ریزی کرد

جمعی از کارگران کارخانه کفش بلا با تجمع در مقابل دفتر مرکزی این شرکت، نسبت به عملکرد مدیریت کنونی این مجموعه اعتراض کردند. عملکرد مدیر این مجموعه تولید آنقدر ضد کارگری است که حتا مسول شورای اسلامی کارخانه هم، از کسر بدون دلیل حقوق کارگران گله می‌کند. (روزنامه شرق سه شنبه ۲۵ آبان)

آش که شور بشه، قورباغه هم ابوعطا می‌خونه... ای بابا ما هم که انگار قاطی کردیم!

وزیر بازرگانی: قیمت گندم ملی می‌شود. غضنفری در ادامه گفت: وقتی قیمت حامل‌های انرژی اصلاح شود، قیمت کالاهای انرژی‌بر از جمله نان نیز اصلاح خواهد شد و نانوا باید به کارخانه آرد مراجعه کند و آرد را نه به قیمت ۵.۷ تومان و یا ۴.۵ تومان، بلکه به قیمت ملی بخرد و قیمت نان ملی می‌شود و از آن پس در زمینه نان رقابت آغاز خواهد شد. (شرق ۵ شنبه ۲۷ آبان)

اگر هنوز نمی‌دونید که قیمت ملی یعنی چه، عجله نکنید تا چند روز دیگه می‌فهمید.

رییس اتاق بازرگانی: نباید از عضویت در سازمان تجارت جهانی عقب‌نشینی کرد. نهاداندیان در سمینار تخصصی تبعات الحاق به سازمان تجارت جهانی هم‌چنین گفت: باید نوعی نگاه آینده‌نگرانه داشته باشیم و اکنون که بدخواهان مانع‌تراشی می‌کنند، باید بر روی اهداف خود تمرکز کنیم. در این سمینار وزیر بازرگانی و هم-چنین رییس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز از ضرورت پیوستن به WTO گفته‌اند.

ظاهرا غیر از زحمت‌کشان که چندین دهه تجربه فشار نظام مسلط جهانی را با گوشت و پوست خود احساس کرده‌اند، بقیه برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی از هم سبقت می‌گیرند.

سایت بنیاد گلشیری که فعالیت‌هایی در زمینه ادبی دارد، فیلتر شد.

حتما چون تشخیص دادن جامعه به فعالیت ادبی احتیاجی نداره.

جواد لاریجانی: ندا آقا سلطان را MI6 کشت.

ام ای ۶ رو که می‌شناسید؟ همکاران انگلیسی تروریست‌های اسرائیلی هستند که در ماجرای

قتل‌های زنجیره‌ای هم دست داشتند

در برنامه پنجم توسعه، کارگران سه برابر کارمندان حق بیمه می‌پردازند. به گفته اورنگ مدیر عامل انجمن رفاه و تامین اجتماعی، با تصویب ماده ۴۰ قانون برنامه توسعه و صندوق درمانی ایرانیان و با اجرا شدن این مصوبه، دریافت حق بیمه از کارگران، سه برابر کارمندان دولت می‌شود. (آرمان یکشنبه ۲۰ آبان)

زور دارن می‌تونن! باور نمی‌کنید، صبر کنید تا زمان اجرای برنامه پنجم توسعه!

لاریجانی رییس مجلس: صدا و سیما اخبار خلاف واقع منتشر نکند.

پس بفرما صد و سیما رو تعطیل کنن دیگه!

امین شعبانی عضو کمیسیون عمران مجلس: در ساخت مسکن مهر، از مصالح درجه سه استفاده شده است.

به هر حال دکور خوبی که دارن، ندارن

عضو شورای کارگری کارخانه لوله‌سازی خوزستان: ۱۸ ماه است که حقوق نگرفته‌ایم.

غدیر سواعدی هم‌چنین گفت: به‌دلیل ناتوانی مدیریت، این کارخانه از اردیبهشت امسال تولید نداشته است. کارگران این کارخانه که بین بیست تا سی سال سابقه کار دارند، خواهان راه‌اندازی مجدد کارخانه هستند. این کارخانه را بخش خصوصی مدیریت می‌کند. (شرق شنبه اول آذر)

این هم از مدیریت بخش خصوصی که این همه طرفدار سینه‌چاک در این سوی و آن سوی آب دارد. البته دور از جون شما!

سایت هواداران نازیسم رفع فیلتر شد. انجمن نازیسم و هواداران هیتلر، مدتی است که اعلام موجودیت کرده و مدعی است که سایت این انجمن، تحت نظارت کارگروه رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند. این سایت ۱۷ روز پس از آغاز به کار، از

آن سوی خبرها

سوی وزارت ارشاد فیلتر شد و اینک با رفع فیلتر، فعالیت خود را شروع کرده‌اند.

😊 احسنت به این وقت‌شناسی. آقا! این فاشیست‌ها عجب وقت شناسن.

😊 رییس سازمان پزشکی قانونی گفت: سونامی مواد روان‌گردان، در راه است. (آرمان دوشنبه اول آذر)

😊 آقا جان در راه نیست، درخانه است. تو خوابت برده!

😊 بر اساس آمار جمع‌آوری شده از دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی، تا اول مهر ماه سال جاری، بیش از ۲۱ هزار و ۸۹۰ نفر مبتلا به ایدز در ایران شناسایی شده‌اند.

😊 این هم یک سونامی دیگر است که فردا صدایش در می‌آید.

😊 بیش از ۱۲۰ نفر از فرزندان دیپلمات‌ها و کارکنان سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور، از طرق مختلف مبادرت به اخذ تابعیت دوگانه کرده‌اند. (شرق سه شنبه ۲ آذر)

😊 بچه‌ها اتفاقات غیرمترقبه را زودتر درک می‌کنند.

😊 صبح روز دوشنبه اول آذر، جمعی از کارگران ساختمانی با حضور در مقابل مجلس، تجمعی برگزار کردند تا از تعلیق اجرای قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی در ۵ سال آینده جلوگیری کنند. بر اساس ماده ۱۵۶ قانون برنامه

پنجم توسعه، این طرح به مدت ۵ سال دیگر اجرا نخواهد شد. (آرمان سه شنبه ۲ آذر)

😊 کارگران ساختمانی بیمه به چه دردشون می‌خوره. نان به قیمت ملی را بچسبن.

😊 به گزارش ایلنا، در کارخانه پروفیل پارس متال از ابتدای سال جاری کارفرمای شرکت، بدون توجه به مصوبه حداقل مزد شورای عالی کار، حقوق هر کارگر را هفته‌ای ۵۰ هزار تومان تعیین کرده است. این کارخانه ۳۸۴ کارگر دارد. دریافتی متوسط این کارگران، بر اساس حداقل حقوق در سال گذشته ۶۰۰ هزار تومان در ماه بوده است.

😊 عرض کنم یک اصلاحاتی در راه است که اگر به قانون کار اصابت کند، وضع همه کارگران چنین خواهد شد.

😊 برای دومین روز پیاپی، خریداران کامیون‌های تی ۲۰۰ در مقابل مجلس تجمع کردند. این تجمع، اعتراضی به غیراستاندارد بودن این خودروها بود. (همشهری ۸ آذر ماه)

😊 احتمالا وارد کننده این خودروها را در محل شناسایی کرده بودند.

😊 به گفته محمود دو دانگه، هدف‌مند سازی یارانه نان در اولویت قرار دارد.

😊 کاش این اولویت سخته کنه وگر نه خیلی‌ها رو به سخته کردن میندازه.

😊 به گزارش فارس، طی روزهای گذشته، صدور حکمی مبنی بر تعیین قاتل به وسیله قرعه‌کشی در شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضایی بعثت صورت گرفت. ظاهرا در ۱۷ خرداد ۷۴ فردی در جریان درگیری

با دو نفر، از ناحیه سر مورد اصابت چوب قرار گرفته و بر اثر ضربه مغزی به قتل رسیده است. اما با توجه به اینکه قتل در ساعات پایانی شب رخ داده است، هیچ شخصی غیر از قاتلان و مقتول در صحنه حادثه حضور نداشتند و شاهدی هم وجود ندارد، معلوم نشده که کدام یک ضربه اصلی را وارد کرده‌اند و چون قتل با یک ضربه بوده، نمی‌توان مشارکت در قتل اعلام کرد. قاضی پرونده گفت در این موارد طبق قاعده، موضوع قصاص منتفی می‌شود، چون نمی‌توانیم دو نفر را به‌خاطر یک نفر قصاص کنیم، چون قطعاً می‌دانیم یکی بی‌گناه و دیگری قاتل است و نمی‌توان هر دو را قصاص و یا هر دو را آزاد کرد، چرا که در صورت قصاص هر دو نفر، یک بی‌گناه کشته می‌شود و چون قطعاً یکی از آنها قاتل است، نمی‌توان هر دو نفر را آزاد کرد. پس بحث با منتفی شدن قصاص، بحث دیه پیش می‌آید. قاضی گفت بارها گفته‌ام که قرعه‌کشی نیز صرفاً جهت پرداخت دیه و نه تعیین قاتل است؛ ما نمی‌خواهیم با قرعه‌کشی قاتل را مشخص کنیم، بلکه می‌خواهیم برای جلوگیری از هدر رفتن خون یک مسلمان، حکم به دیه دهیم. ظاهرا این پرونده حدود ۱۵ سال بلا تکلیف مانده بود و ...

😊 اولاً که زنده باد دادگاه بلخ، ثانياً تعجب نکنید، به‌جای آن دست مریزاد بگویید. در روزگاری که فردی که شاهد کشته شدن جوانی توسط ماشین نیروی انتظامی بوده، به‌جای مجرم دستگیر می‌شود و از دانشجویان حاضر در کوی دانشگاه می‌خواهند خسارت بگیرند و...، باز جای شکرش باقی است که یک قاضی، این همه در اجرای عدالت اصرار دارد.

تماس با نشریه:

برای دانلود نسخه pdf نشریه جهان نوین، به وبلاگ نشریه مراجعه کنید:

<http://jahanenovin.blogspot.com>

یا با ایمیل نشریه تماس بگیرید:

jahanenovin@gmail.com

در صورت امکان، جهان نوین را به ایمیل دوستان خود ارسال کنید.
نسخه pdf جهان نوین، مناسب پرینت روی کاغذ A4 است. با پرینت و تکثیر نسخه کاغذی جهان نوین، می‌توانید طیف مخاطبان جهان نوین را گسترش دهید.

برای تبادل نظر با هیات تحریریه و یا ارسال مطالب‌تان برای انتشار در جهان نوین، با همین ایمیل تماس بگیرید.
مطالب نشریه، به‌تدریج در وبلاگ جهان نوین منتشر می‌شود. برای تبادل نظر جمعی، می‌توانید در این وبلاگ، نظرات‌تان را منتشر کنید.

قطعی شدن مرگ معدنچیان مدفون شده در معدن هجدک کرمان

پس از گذشت ۵ روز از ریزش معدن زغال سنگ هجدک کرمان و مدفون شدن ۳ معدنچی در عمق ۶۰۰ متری، یکی از کارشناسان سازمان نظام مهندسی استان کرمان، از قطعی شدن مرگ کارگران خبر داد.

معدن زغال سنگ هجدک واقع در شهرستان راور استان کرمان، ظهر سه شنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۹ ریزش کرد و ۴ معدنچی آن در عمق ۶۰۰ متری، مدفون شدند. جسد یکی از معدنچیان در ساعات اولیه حادثه پیدا شد.

روز شنبه ۲۷ آذر ۱۳۸۹، اسماعیل نجار استاندار کرمان از اعزام اکیپ های امداد و نجات به محل ریزش معدن خبر داده و گفته بود که امدادگران به محل ریزش نرسیده اند: "متأسفانه اکیپ هایی که برای امداد اعزام شده بودند در مسیر دچار سانحه شده اند. دو نفر از امدادگران در سانحه تصادف دچار صدمات جسمانی شده اند و هم اکنون در یکی از بیمارستان های کرمان بستری هستند. دیشب نیز یک اکیپ جدید به منطقه اعزام شده است."

سال قبل، حادثه مشابهی در همین معدن اتفاق افتاده بود و طی آن، تعدادی از معدنچیان جان خود را از داده بودند. از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا به حال بیش از ۲۰ کارگر، هنگام کار در معدن های زغال سنگ استان کرمان کشته شده اند که ۱۲ کارگر تنها در حادثه معدن "بابینزو" کشته شدند. در سال ۱۳۸۸ نیز حداقل ۲۱ کارگر هنگام کار در معادن زغال سنگ استان کرمان، به علت حوادث مختلف جان خود را از دست داده اند.

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران درباره بازداشت فریبرز رییس دانا



کانون نویسندگان ایران

مردم آزاده!
دکتر فریبرز رییس دانا، اقتصاددان، نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران نیمه شب ۲۷ آذر با یورش مأموران لباس شخصی به منزلش دستگیر شده است.
در کشوری که به تازگی "نماینده" اش در کمیسیون

حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است ایران آزادترین کشور جهان است، اقتصاددانی را ظاهراً به اتهام اظهار نظر درباره ی "طرح تعدیل اقتصادی و حذف یارانه ها" کمتر از دو ساعت پس از مصاحبه بازداشت می کنند، تنی چند از روزنامه نگاران را از محل کار خود می ربایند، وکیلی را به اتهام دفاع از متهمان سیاسی به بند می کشند و مرگ تدریجی او از گرسنگی را با

بی اعتنائی نظاره می کنند، کارگری را که جرمی جز دفاع از حقوق صنفی و سندیکایی ندارد ماه ها در زندان نگاه می دارند و...
کانون نویسندگان ایران، که به حکم منشور خود آزادی بیان را حق بی چون و چرای هر شهروند ایرانی، بی هیچ حصر و استثنا، می داند خواهان آزادی بی قید و شرط فریبرز رییس دانا و همه ی زندانیان سیاسی و عقیدتی دیگر است.

اطلاعیه کانون مدافعان حقوق کارگر درباره دستگیری فریبرز رییس دانا



کانون مدافعان حقوق کارگر

نیمه شب شنبه ۲۷ آذر ۸۹ مأموران امنیتی با ورود به منزل فریبرز رییس دانا، اقتصاددان، یار دیرین کانون مدافعان حقوق کارگر، به بازرسی منزل مسکونی و ضبط کامپیوتر و دست نوشته های وی مبادرت کرده، و پس از یک ساعت او را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.
این دستگیری چند ساعت پس از آن صورت گرفت که رییس دانا در اقدامی شجاعانه اعلام کرده بود که اجرای هدفمند سازی یارانه ها

فشردن گلوی کارگران و زحمتکشان و حمله همه جانبه به سفره ی خالی آنان است.
دستگیری وی بیانگر آن است که حمله کنندگان به سفره ی خالی مزدبگیران و کارگران می خواهند اعلام کنند که هیچ گونه اعتراضی را تحمل نخواهند کرد و با ایجاد فضای قبرستانی می خواهند هر گونه اجحافی را بر مردم روا دارند.
کانون مدافعان حقوق کارگر ضمن حمایت همه جانبه از نظرات قاطع این اقتصاددان در دفاع از زندگی کارگران و زحمتکشان، خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری اوست. رییس دانا هیچ جرمی جز بیان خواسته های کارگران و زحمتکشان

مرتکب نشده است. زبان و قلم گویای او خواسته های واقعی میلیونها انسان زحمتکشی است که در زیر خط فقر زندگی می کنند.
کانون مدافعان حقوق کارگر بار دیگر هشدار می دهد که نشان دادن قدرت به کارگران و زحمتکشان و دستگیری روشنفکران مدافع آنان مشکلات مردم ما را نه تنها حل نخواهد کرد بلکه بر شدت وحدت آن خواهد افزود و کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم را در مسیر احقاق حقوق از دست رفته خود مصمم تر خواهد کرد.

پایان اعتصاب غذای خشک رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد



دادگاه انقلاب، به جای بررسی مراحل آزاد کردن رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، مستقیماً پرونده وی را برای محاکمه در دستور کار قرار داد. رضا شهابی را در صبح روز یکشنبه ۲۸ آذرماه به دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم منتقل کردند تا دادگاهش تشکیل شود.

رضا شهابی، کارگر زندانی در بند ۲۰۹ زندان اوین، اعلام کرد با توجه به جریان افتادن بررسی پرونده اش و به ویژه نظر به درخواست های مکرر جنبش کارگری از وی، از شامگاه روز

یکشنبه ۲۸ آذرماه، پس از نه روز اعتصاب غذای خشک، به اعتصاب غذای خود پایان خواهد داد، اما چنانچه در بررسی پرونده اش و صدور حکم

آزادیش اخلاقی ایجاد شود، او مجدداً دست به اعتصاب غذا خواهد زد. رضا از تمامی کسانی که از وی حمایت کرده اند، تشکر کرده و خواسته است سلام وی را به همه آنان ابلاغ کنند. به دلیل بیش از ۶ ماه حبس و فشارهای روحی و جسمی بر رضا، اکنون اوضاع جسمی او بسیار وخیم شده است و علاوه بر درد دندان، کمر و کتف و درد در دست چپ به دلیل آرتروز، دچار معده درد نیز شده است.

تعلیق از کار و احضار به دادگاه همایون جابری، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد

روز شنبه ۲۰ آذر ماه، فعال سندیکایی همایون جابری، توسط حراست شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، تحت عنوان غیبت غیر موجه (۱۳ روزی که در بازداشت وزارت اطلاعات به سر برد و تنها به جرم همراهی کردن همسر همکارش آقای غلامحسینی، دستگیر شده بود) از کار تعلیق شد.

آقای جابری از زمان آزاد شدن از زندان، که با قید وثیقه ۱۰ میلیون تومانی بود، به محل کار خود بازگشت، ولی حراست شرکت واحد در ادامه کار وی کارشکنی نمود. او چند بار به حراست اداره مرکزی احضار شد، تا اینکه روز شنبه از ادامه

کارش ممانعت به عمل آوردند. همزمان حراست شرکت واحد با شایعه پراکنی در سطح شرکت، مبنی بر اینکه آقای جابری خود اقدام به بازخرید نموده است، قصد دارد تا از تبعات اعتراضات احتمالی در شرکت واحد جلوگیری نماید. حراست شرکت واحد در یک فرافکنی دیگر به آقای جابری اعلام کرده است که دستگیری سال گذشته او در روز جهانی کارگر را به عنوان غیبت غیر موجه محسوب خواهد کرد و به این خاطر علیه او اقدام به پرونده سازی جدیدی خواهد نمود.

از طرفی دیگر بدون احضار کتبی و بصورت

تلفنی، به همایون جابری اطلاع داده شد که روز دوشنبه ۲۹ آذر ماه در شعبه ۱ دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار خواهد گرفت. او به دلیل همراهی کردن همسر همکارش آقای غلامحسینی به اداره اطلاعات کرج، دستگیر و ۱۳ روز در بازداشت آنها قرار داشت که با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی آزاد گردید.

در حال حاضر، ۶ فعال دیگر سندیکای شرکت واحد نیز در بازداشت به سر می برند: منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، غلامرضا غلامحسینی، علی اکبر نظری و مرتضی کمساری.

دیوان عدالت اداری، اخراج علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه را تایید کرد

علی نجاتی کارگر و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، که ۲۲ ماه پیش در پی بازداشت توسط نیروهای امنیتی از کار اخراج شده بود، روز شنبه ۲۷ آذرماه ۸۹ دادنامه دیوان عدالت اداری، مبنی بر تایید حکم اخراج خود را دریافت نمود. علی نجاتی که پس از صدور حکم اخراج توسط

هیات تشخیص و سپس هیات حل اختلاف اداره کار شوش، شکایت نامه ای به دیوان عدالت اداری در تهران تسلیم کرده بود، پس از ۱۴ ماه معطلی و در حالی که در تمام مدت ۲۲ ماهی که اخراج شده است، هیچ گونه حقوق بیکاری دریافت نکرده و نتیجتاً در شرایط سخت معیشتی گذران زندگی نموده، اکنون نیز تاییدیه حکم اخراج خود

را توسط دیوان عدالت اداری دریافت نموده است. این در حالی است که نامبرده، در پی اخراج خود، ابتدا به هیات تشخیص اداره کار شهرستان شوش شکایت برده بود، اما در اقدامی که حتا خارج از قوانین مرسوم اداری است، اداره کار به جای بررسی شکایت نجاتی، خود راساً اقدام به صدور حکم اخراج وی کرده بود.

برگزاری مراسم اعتراضی به مناسبت روز دانشجو در چند دانشگاه ایران



دانشگاه آزاد قزوین - تجمع دانشجویی به مناسبت شانزده آذر ۱۳۸۹

دانشگاه امیرکبیر

تجمع و درگیری

همانند سال گذشته، دانشگاه امیرکبیر شاهد تجمع خودجوش و بیش از ۵۰۰ نفری دانشجویان به مناسبت روز دانشجو بود. صبح روز شانزدهم آذر حدود ۵۰ نفر از فعالین دانشجویی پلی تکنیک به این دانشگاه ممنوع ورود شده بودند. همچنین درهای دانشگاه توسط نیروهای امنیتی و پلیس محاصره شده و رفت و آمد دانشجویان توسط این نیروها نیز کنترل می شود.

تعدادی از کلاس های درس نیز به مناسبت این روز تعطیل شده بود. در این تجمع دانشجویان شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و سرود یار دبستانی خواندند. این تجمع با درگیری های پراکنده با نیروهای بسیج، حراست و انتظامات دانشگاه همراه بود. در این تجمع دانشجویان تجمع کننده قصد نمایش دادن عکس مجید توکلی، دانشجویی در بند این دانشگاه را داشتند که با حمله نیروهای بسیجی همراه شد.

دانشگاه آزاد قزوین

تجمع هزار نفری دانشجویان

تجمع اعتراضی شانزدهم آذر، در دانشگاه آزاد قزوین با حضور بیش از هزار نفر از دانشجویان از میدان قلم این دانشگاه آغاز شد. از همان ابتدا حضور نیروهای امنیتی و بسیج هر لحظه گسترده تر می شد و آنها اقدام به تهدید و فیلمبرداری از دانشجویان نمودند. دانشجویان با خواندن سرود "یار دبستانی" و دادن شعارهای "اشکان ما نمرده" و "امیر ما نمرده" یاد و خاطره این دو دانشجوی کشته شده را گرامی داشتند و نسبت به عدم محاکمه آمرین و عاملین این جنایت اعتراض کردند. از صبح نیروهای امنیتی و بسیج سعی داشتند با تهدید جلوی شکل گیری این تجمع را بگیرند که در نهایت دانشجویان با تعطیل کردن

دانشگاه تهران

تجمع خودجوش دانشجویان

در دانشکده فنی

در حالی مراسم انجمن اسلامی دانشگاه تهران در تالار شهید چمران دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار شد که دانشجویانی که موفق به حضور در سالن نشده بودند با تجمع مقابل سالن، اقدام به سر دادن شعارهایی همچون "نصر من الله و فتح قریب، مرگ بر این دولت مردم فریب"، "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد"، "... کردند و دست به اعتراض زدند. در این مراسم دانشجویان همچنین سرود "یار دبستانی" را نیز بارها خواندند. این مراسم و تجمع در حالی برگزار شد که نیروهای امنیتی و پلیس حضور چشمگیری در اطراف دانشگاه داشتند. همچنین نیروهای حراست از حضور فعالان دانشجویی به داخل دانشگاه جلوگیری می کردند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در اقدامی ابتکاری همزمان با روز دانشجو، هدایایی شامل تابلویی از تصاویر حمله به دانشگاه تهران و کوی دانشگاه در خرداد ۱۳۸۸ و تجمع های دانشجویی در ایام پس از انتخابات به دفتر فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه تهران، ارسال کردند.

دانشگاه علم و صنعت

تجمع سکوت به یاد کیانوش آسا

دانشجوی کشته شده

در حوادث پس از انتخابات

حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت به مناسبت بزرگداشت روز دانشجو، تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و به رغم حضور گسترده نیروهای حراست، بسیج و لباس شخصی ها، در پارک شهید آسا گرد هم آمدند و یاد و خاطره شهید دانشگاه علم و صنعت، مهندس کیانوش آسا را، گرامی داشتند. در اواخر تجمع یکی از دانشجویان سخانی را در گرامی داشت کیانوش آسا و جنبش دانشجویی بیان کرد. تعدادی از نیروهای بسیج و حراست سعی کردند این دانشجو را از



دانشگاه امیر کبیر - تجمع دانشجویی به مناسبت شانزده آذر ۱۳۸۹

جمعیت دور کنند و با صدای بلند شروع به اهانت به کیانوش آسا کردند تا بتواند تجمع کنندگان را به واکنش وادارند، اما واکنش قاطبه دانشجویان به توهین کنندگان، دعوت به سکوت و آرامش بود.

دانشگاه صنعتی شیراز

ابتکار نافرمانی مدنی

تشکیل صف اعتراضی

دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز به پاسداشت روز دانشجو به بهانه صرف غذا، صف طولانی مقابل سلف سرویس دانشگاه ایجاد کردند. این مراسم در حرکتی خود جوش از چند روز قبل با شعار نویسی بر روی شیشه ها و آینه های خوابگاه و نصب پوسته های مربوط به ۱۶ آذر پشت درب اتاق ها آغاز شده بود که با واکنش حراست و انجام اقداماتی نظیر پاره کردن و برداشتن پوسته ها و پاک کردن شعارها همراه بود. روز قبل از ۱۶ آذر نیز تراکت هایی در سطح دانشگاه توزیع شده بود که ضمن دعوت به حضور در صف اعتراضی در روز دانشجو از دانشجویان خواسته بودند برنامه بسیج دانشجویی را در این روز تحریم کنند. این دعوت به تحریم برنامه بسیج، با استقبال و پاسخ مثبت دانشجویان مواجه شده و برنامه بسیج با حضور بسیار اندک دانشجویان برگزار شد.

دانشگاه شهید عباسپور

انتقادات صریح دانشجویان

انجمن اسلامی دانشگاه شهید عباسپور جلسه سخنرانی را با حضور معصومه ابتکار، عضو اصلاح طلب شورای شهر تهران، برگزار کرد. دانشجویان در این برنامه انتقادات صریح نسبت به سیاست های حاکمیت در سرکوب های انجام شده مطرح کردند. یکی از دانشجویان در این مراسم گفته بود: "سال هاست می بینیم حرمت دانشجو و دانشگاه با امنیتی کردن فضا در آستانه ی ۱۶ آذر نادیده گرفته می شود. الان حدود ۵ نفر

حاکم در دانشگاه آزاد تبریز و تهدیدهای صورت گرفته، دو تشکل دانشجویی "کانون وحدت دانشجویان" و "انجمن اسلامی دانشجویان" این دانشگاه، بیانیه های جداگانه ای در گرامی داشت روز دانشجو و در اعتراض به شرایط خفقان حاکم بر کشور، به خصوص دانشگاه ها، و عدم صدور مجوز برای بزرگداشت روز دانشجو توسط تشکل های مستقل و منتخب دانشجویی، منتشر و در سطح این دانشگاه به صورت وسیعی توزیع گردید که این مسئله باعث درگیری میان دانشجویان عضو این تشکل ها با نیروهای امنیتی حاضر در دانشگاه شد.

دانشگاه سیستان و بلوچستان

تجمع سکوت دانشجویان

با شمع در دست به یاد کشته شدگان دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان در روز ۱۶ آذر دست به تجمع اعتراضی آرام در مقابل سلف غذا خوری این دانشگاه زدند. در این تجمع

از کاندیداهای دفتر تحکیم وحدت را دستگیر کرده اند. متأسفانه به خاطر فشارهایی که وجود دارد انجمن اسلامی حاضر نشد در مورد این مسئله بحث کند و آن را بر روی بورد خود بزند. مسئله این است که اگر بخواهیم در این موارد سکوت کنیم، با عواقب ناگواری مواجه می شویم و به مشکل برمی خوریم. خانم شبنم مددزاده اسفندماه پارسال بازداشت شد و به ۵ سال حبس محکوم شد. اما به خاطر فضای موجود، دانشجویان دانشگاه تربیت معلم نتوانستند از ایشان حمایت لازم را بکنند. اصلاح طلبان خود از دفتر تحکیم وحدت که در سال ۷۶ از اصلاح طلبان حمایت کرد و از آقای علی افشاری که عضو این تشکل بود و در سال ۷۸ که به زندان افتاد، به راحتی گذشتند و از عزت الله ابراهیم نژاد حمایت نکردند."

دانشگاه آزاد تبریز

درگیری دانشجویان با نیروهای امنیتی

بر سر توزیع بیانیه

بنابر گزارش ارسالی، علیرغم جو شدید امنیتی

دانشگاه گیلان

تجمع دانشجویان

دانشجویان دانشگاه گیلان با تشکیل تجمع اعتراضی نسبت به شرایط موجود در کشور و فضای خفقان و سرکوب اعتراض کردند. بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان با حضور در محوطه دانشگاه، به سر دادن شعارهایی از قبیل "دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد" و "هم خوانی" یار دبستانی" پرداختند. حضور نیروهای حراست و لباس شخصی در اطراف این تجمع چشمگیر بود.

دانشگاه بوعلی همدان

تجمع دانشجویان

دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان نیز علی رغم محدودیت های فراوان گرد هم آمدند و به تکریم روز دانشجو پرداختند. دانشجویان معترض در جلوی درهای بسته شده توسط حراست به تجمع و خواندن سرود "یار دبستانی" و "به لاله در خون خفته" پرداختند. نیروهای حراستی تا نیمه های شب قبل از روز ۱۶ آذر اقدام به نصب دوربین های مدار بسته در دانشگاه کرده بودند.

دانشگاه بین المللی قزوین

تجمع آرام دانشجویان

دانشجویان دانشگاه بین المللی قزوین همگام با دیگر دانشگاه های کشور، مراسم روز ۱۶ آذر را علی رغم وجود جو بی سابقه امنیتی برگزار نمودند. در هفته های قبل دانشجویان این دانشگاه با صدور بیانیه ای در فراخوان برگزاری تجمع در روز ۱۶ آذر و سر دادن شعار های اعتراضی در خوابگاه های این دانشگاه به استقبال روز دانشجو رفتند. در روز ۱۶ آذر نیز چند صد تن از دانشجویان معترض این دانشگاه طبق فراخوانی که در روزهای گذشته منتشر شده بود، با تجمع آرام در صحن اصلی دانشگاه اعتراض خویش را به روند حاکم نشان دادند و خواستار ملغی شدن احکام اخراج و تعلیق ۱۵ تن از دانشجویان این دانشگاه شدند.

دانشگاه سهند تبریز

اعتراض دانشجویان

به برنامه نمایشی مسئولین دانشگاه

صحن آئینی تئاتر دانشگاه صنعتی سهند تبریز شاهد فریاد و اعتراض نسبت به سخنان رئیس دفتر نهاد رهبری در دانشگاه های استان آذربایجان شرقی بود. در حین این مراسم دانشجویان پلاکارد هایی با مضامین "ستاره در پرونده = سهام عدالت دانشجو" و "روز دانشجو متعلق به کسانی است که خونشان ریخته شده، نه آنان که خونی را ریخته اند" و "دانشگاه زنده است" و ... در دست داشتند. پس از آن که در این مراسم تریبون در اختیار دانشجویان قرار نگرفت، دانشجویان معترض به منزله اعتراض به روند مراسم و توهین به دانشجویان در روز دانشجو، با خواندن سرود "یار دبستانی" و "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد" جلسه ترتیب داده شده توسط دانشگاه را ترک کردند و در محوطه دانشگاه اقدام به تجمع کردند.

دانشگاه رازی کرمانشاه

استقبال دانشجویان از صفار هرندی

با شعار "مرگ بر دیکتاتور"

دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه با شعار "مرگ بر دیکتاتور" به حضور صفار هرندی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد، در این دانشگاه اعتراض کردند. صفار هرندی و هیات همراهش با شعارهایی همچون "مرگ بر دیکتاتور" غافلگیر شدند. پس از این شعارها جمعی از دانشجویان با کف زدن به حمایت از شعار دهندگان پرداختند. مجری مراسم با در خواست های مکرر خود سعی در آرام نگه داشتن جو آئینی تئاتر نمود اما با بی توجهی دانشجویان همراه شد. دانشجویان این دانشگاه در روزهای قبل با پخش اعلامیه و تراکت هایی خواهان آزادی مجید دری و دیگر دانشجویان دربند شدند که این اقدام، با حمله و درگیری نیروهای طرفدار بسیج با دانشجویان مواجه شده بود.

منبع: سایت دانشجو نیوز (با تلخیص)

که با سکوت برگزار شد، شرکت کنندگان با در دست داشتن شمع، یاد و خاطره دانشجویان کشته شده و همچنین دانشجویان در بند را گرامی داشته اند. در پایان یکی از دانشجویان برای جمع حاضر سخنرانی کرد و یاد دانشجویان زندانی و کشته شدگان پس از انتخابات را گرامی داشت و نسبت به سرکوب های موجود انتقاد کرد.

دانشگاه خواجه نصیر

تجمع در دانشکده مکانیک

علی رغم جو امنیتی حاکم

جمعی از دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در دانشکده مکانیک این دانشگاه دست به تحصن و تجمع اعتراضی زدند. در این تحصن که با سر دادن فریاد مرگ بر دیکتاتور همراه بود، دانشجویان سرود یار دبستانی را به صورت دسته جمعی خواندند. این در حالی بود که جو دانشگاه خواجه نصیر از روز ۹ آذر، به علت برگزاری تجمعی به مناسبت سالروز زندانی شدن میلاد اسدی، به شدت امنیتی شده بود و نیروهای حراست از ورود برخی دانشجویان به دانشگاه جلوگیری کردند. نیروهای حراست و لباس شخصی از تجمع حتی گروه های ۲ نفره دانشجویان در صحن دانشکده برق جلوگیری می کردند.

دانشگاه آزاد اراک

تجمع دانشجویان مقابل دانشگاه

دانشگاه آزاد اراک که در ایام پس از انتخابات شاهد چندین تجمع بزرگ بود، هم زمان با روز دانشجو و به علت سفر احمدی نژاد به این شهر، بدون اعلام قبلی تعطیل شد. تعداد زیادی از دانشجویان این دانشگاه که با درهای بسته دانشگاه مواجه شدند، در اعتراض به این مسئله مقابل در دانشگاه تجمعی ترتیب دادند که با برخورد نیروهای امنیتی مواجه شد.

بازداشت دست کم دوازده دانشجوی دانشگاه امیرکبیر، هنر تهران و رازی کرمانشاه در روز دانشجو

وحید نصرتی یکی از این دانشجویان، در تماسی تلفنی کوتاهی، از انتقال خود و دانشجویان بازداشتی دیگر به زندان اوین خبر داده است. با وجود محدودیت‌های اعمال شده، مراسم بزرگداشت ۱۶ آذر امسال با تجمع اعتراضی در حمایت دانشجویان زندانی در برخی از دانشگاه‌های کشور در حالی برگزار شد که موتورهای و خودروهای نیروی انتظامی در خیابان‌های اطراف دانشگاه‌ها مستقر شده بودند. دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه آزاد قزوین، دانشگاه اراک، دانشگاه هنر تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه تهران از جمله واحدهایی هستند که برگزاری مراسم روز دانشجو در آنها، با درگیری‌هایی همراه بوده است. منبع: سایت دانشجو نیوز (با تلخیص)

بازداشت شدگان از دانشجویانی بوده‌اند که در تجمعات شرکت نداشته‌اند. در همین حال به دنبال اعتراض دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه به سخنرانی محمدحسین صفار هرنندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم در روز پانزدهم آذرماه، احمد غیاثوند و سیدقاسم محمودی دو دانشجوی این دانشگاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند و از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست. در همین حال در پی تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه هنر تهران در روز شانزدهم آذر، وحید نصرتی، هومن جعفری، سوین شیوا، مجید صادقی، حجت صحرایی و سعیدی شش دانشجوی این دانشگاه بازداشت و به زندان اوین منتقل شده‌اند.

به دنبال برگزاری گسترده تجمعات اعتراضی در روز دانشجو، منابع دانشجویی از بازداشت دست کم دوازده دانشجوی در این روز خبر می‌دهند. در روز شانزدهم آذر، دست کم ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند که بیشتر آنها پس از بازجویی در دفتر پیگیری وزارت اطلاعات آزاد و چهار نفر از بازداشت شدگان به زندان اوین منتقل شده‌اند. هادی شاکری و محسن محبوبیان دو تن از چهار دانشجویی هستند که هم‌اکنون در زندان اوین نگهداری می‌شوند.

بازداشت‌های این روز عمدتاً «به صورت اتفاقی و از سر عصبانیت و سردرگمی» و در خارج از محوطه دانشگاه بوده است، زیرا بسیاری از

سرمایه‌داری را با مخاطرات و مشکلات جدی روبرو سازد. اعتراض کارگران و دیگر زحمتکشان در یونان، جنبش فراگیر کارگری فرانسه و اعتراضات کم سابقه‌ی کارگران انگلستان، بلژیک، ایرلند، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و... حمایت دیگر اقشار جامعه از این اعتراضات بیانگر آگاهی نسبی مردم آن کشورها از نیات پنهان در برنامه‌های توصیه شده‌ی این نهادهای محافظ سرمایه‌داری است.

سرمایه‌داری را با مخاطرات و مشکلات جدی روبرو سازد. اعتراض کارگران و دیگر زحمتکشان در یونان، جنبش فراگیر کارگری فرانسه و اعتراضات کم سابقه‌ی کارگران انگلستان، بلژیک، ایرلند، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و... حمایت دیگر اقشار جامعه از این اعتراضات بیانگر آگاهی نسبی مردم آن کشورها از نیات پنهان در برنامه‌های توصیه شده‌ی این نهادهای محافظ سرمایه‌داری است.

طبقه‌ی کارگر اروپا و طرح هدفمندی یارانه‌ها

سرکردگان جهان تک قطبی امروز که بحران‌های دائمی فزاینده‌ی اقتصاد سودمحورشان از ساختار بیمار نظام سرمایه‌داری ناشی می‌شود تمام نقاب‌ها را کنار زده و گستاخانه سفره‌ی فقیرترین

توده‌های مردم را آماج هجوم خود قرار داده‌اند و با توصیه نهادهای محافظ خود بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در سطح بین‌المللی چنان وانمود می‌کنند که بدون عمل به توصیه‌های این نهادها هیچگونه امکانی برای مهار این بحران‌ها وجود ندارد، توصیه‌هایی که نه تنها در کشورهای جهان سوم که در پیشرفته‌ترین کشورهای اروپایی نیز به اجرا گذاشته شده است. توصیه‌هایی که مخالفت با آن در اروپا همه‌گیر شده است و می‌رود که بساط نظام



بحران مبتلا به سرمایه‌داری است چند هدف عمده دارد که جدی‌ترین آن عبارت است از: حذف دولت رفاه از اروپا که روزی ویتیرین شیک سرمایه‌داری بود. علیه سوسیالیسم، کاهش هزینه‌ی تولید که فشار آن را مستقیماً به کارگران وارد می‌کند و با کاهش هزینه‌ی نیروی کار و افزایش قیمت کالا، قدرت خرید زحمتکشان را به حداقل می‌رساند. به گمان سیاست‌گذاران اصلاحات اقتصادی، این پروژه می‌تواند بحران موجود را

مبارزه را از محدوده‌ی کارخانه به سطح شهر و تمام نقاط استراتژیک در تمام فرانسه کشاندند. مثل همیشه طبقه‌ی کارگر پیشرو فرانسه را که از پیشگامان مبارزات کارگری است زبانزد خاص و عام کرد.

در یک آمارگیری جالب ۷۵ درصد توده‌های کارگر محروم خواستار اعتصابات نامحدود شده بودند در حالی که کارگران بر ادامه‌ی راه بر حق خود پافشاری می‌کردند اکثریت پارلمان و دولت سارکوزی با کثیف‌ترین ترفندها و دروغ بافی‌ها و تهدیدات سرکوبگرانه‌ی مختلف خواستار توقف جنبش شده بودند.

در تمام کشورهای نام برده شده در بالا یک بار دیگر دموکراسی پارلمانی محدودیت‌ها و ناکارآمدی و ضعف‌های آشکار و پنهان خود را به وضوح در معرض قضاوت همگان بخصوص زحمتکشان اروپا قرار داد و خود را در به حرکت در آوردن اهداف طبقه‌ی سرمایه‌دار فرانسه و تمام اروپا خلاصه کرد.

اصلاحات مورد نظر سارکوزی و سایر همپالگی‌هایش در سراسر اروپا، نتیجه‌اش جز افزایش فقر، بیکاری و محرومیت چیز دیگری نیست و این نتیجه اصلاحات بحران‌های اجتماعی و افزایش گرسنگان جهان خواهد بود.

طبق آخرین گزارش فائو یک میلیارد انسان در جهان هر روز با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند. گرسنگانی که با اصلاحات سودمحور سرمایه‌داران وضعی به مراتب وحشتناک‌تر خواهند یافت. تنها در اروپای توسعه یافته ۸۴ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اگر هجوم اخیر سرمایه داری با پیروزی توأم شود فقر جهانی خواهد شد. اگر معترضان در فرانسه، انگلستان یونان و ایتالیا و... گرسنگی یک میلیارد انسان و توان و پتانسیل مبارزاتی تمام محرومان را هم در اعتراضات خود لحاظ کنند اوضاع به گونه‌ای دیگر پیش خواهد رفت.

اروپا تنظیم شده است حداقل سن بازنشستگی دوسال افزایش یافته و دریافت حقوق کامل بازنشستگی هم تا قبل از ۶۷ سالگی به بازنشستگان تعلق نخواهد گرفت. واکنش طبقه‌ی کارگر فرانسه نسبت به این اقدام سرمایه‌داری باعث آگاهی کارگران دیگر کشورها نیز شده است. اعتصاب سراسری اتحادیه‌های کارگری فرانسه که با حمایت و حضور پررنگ اعتراضی دانشجویان دانش‌آموزان و معلمان و اقشار گوناگون اجتماعی همراه شد دولت سارکوزی را تا مرز فلج کشاند. این اعتراضات، فصل جدیدی از مبارزه نیروهای مردمی علیه برده‌داری نوین سرمایه داری است.

صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی

به نفع سرمایه‌داران یعنی

حذف خدمات اجتماعی،

کاهش خدمات دولتی،

فشار همه جانبه به مردم و...

اهدافی است که در پس این

توصیه‌ها پنهان شده است.

این اعتراضات که با حمایت ۷۰ درصد توده‌های مردم صورت گرفت، توانست بار دیگر قدرت طبقه‌ی کارگر و متحدان آن را اثبات نماید (عده‌ای از روشنفکران ساده‌لوحانه عنوان می‌ساختند که در دوران کنونی و با ورود روباتها و... عصر تکنولوژی جدید دوران طبقه‌ی کارگر و این حرف‌ها تمام شده است).

علی‌رغم اینکه بعضی از رهبران رفرمیست سندیکاها و تشکل‌های موجود خواهان توقف جنبش و تمکین به قانون و مصوبات پارلمان شدند و عملاً دست‌ها را بالا بردند، توده‌های مبارز کارگر با ابتکارات توده‌ای خود و همچنین با استفاده نسبی از پتانسیل دانشجویان و جوانان

مهار کند و نظام بهره‌کشی را هم‌چنان بدون مشکل به پیش ببرد. وزیر دارایی انگلستان نام این برنامه‌ی اقتصادی را "متحول کردن خدمات دولتی" می‌گذارد. اصطلاح آشنایی که در کشورهای مختلف نام‌هایی کم و بیش مترادف و حتا گاه‌ها هم‌نام گرفته است. افزایش شهریه دانش‌آموزان و دانش‌جویان، حذف کمک هزینه‌ی آموزش کودکان و وابسته کردن پرداخت کمک هزینه‌ی کودکان به سطح درآمد خانواده و تغییر ساختار مدیریت در خدمات بهداشتی به زیان شهروندان کم‌درآمد از جمله نکات برجسته‌ی این برنامه‌ی طرح "تحول اقتصادی" ببخشید "متحول کردن خدمات دولتی" در انگلستان است.

دولت‌های سرمایه داری اتحادیه اروپا که همه جا از بی‌پولی و بحران و... سخن می‌رانند برای نجات سرمایه‌داری در گام اول ۱۱۰ میلیارد یورو و در ایرلند حدود ۷۰ میلیارد برای خلاصی از بحران اقتصادی گریبان‌گیر موسسات و بانک‌ها دست به جیب شدند. اما برای حمل و نقل و بهداشت و آموزش عمومی و بیمه بیکاری کارگران پول ندارند!!

کاهش ۸۳ میلیارد پوندی از بودجه خدمات اجتماعی انگلستان طی ۵ سال به معنی حذف آخرین امکان حیات فقیرترین افراد جامعه انگلستان خواهد بود. بانک‌ها و بنگاه‌های ورشکسته‌ی اروپایی دولت‌ها را واداشته‌اند تا برای نجات خود از این ورطه با کاهش مالیات سرمایه‌داران و کمپانی‌ها و در مقابل کاهش خدمات عمومی، کمک هزینه‌ی مسکن و افزایش شدید مالیاتی از حقوق‌بگیران به مردمی فشار آورند که درآمدهای ناچیزشان توان مقابله با این فشارها را نخواهد داشت. حذف سی درصد از بودجه‌ی شهرداری‌ها و کسر بیست درصد از یارانه‌ی شرکت‌های اتوبوس‌رانی از جمله جلوه‌های این هجوم غارتگرانه به مردم انگلستان است. همین سیاست در فرانسه در اولین قدم بالا بردن سن بازنشستگی را از ۶۰ سال به ۶۲ سال را در پیش گرفت. در قانون جدید مصوب مجلس فرانسه که به ادعای خروج از بحران اقتصادی

کار برده‌سان

حدود هزار نفر از کارگران راه آهن در ایستگاه مرکزی تهران به خاطر دستمزدهای معوقه ی چندین ماهه خود دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند که با حمله ی نیروهای انتظامی مواجه و خود ۲۰ نفر از آنان دستگیر شدند.

تعداد بسیار زیادی از کارگران مخابرات راه دور شیراز برای چندمین بار به خاطر دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع زدند و...

کارگران لوله‌سازی خوزستان به خاطر دستمزدهای معوقه ی خود دست از کار کشیدند و...

این سه خبر فوق که در بیشتر خبرگزاری‌ها انعکاس یافتند تنها مشت نمونه از خروار هستند. کمتر کارگر و زحمتکشی را در ایران می‌توان سراغ داشت که حقوق را سر وقت دریافت کرده باشد. این مصیبت سراسری آنچنان تأثیرات مخرب و ویرانگری بر ذهن و روحیه مزدبگیران کم درآمد به جا گذاشته است که بی‌اغراق می‌توان آن را به زجزشکی تشبیه کرد. کرامت و شخصیت آنان را به طور کامل لگدمال و خانواده‌های آنها را مستاصل و از هم می‌پاشد. کودکان آنها بار شدیدترین تحقیرها و عقده‌های ناشی از نداری را تحمل می‌نمایند و به این خاطر در معرض بدترین آسیب‌ها و نارحتی‌های جسمی و روحی هستند. فروش جناس و لوازم بدردنخور داخل خانه، قرض و قوله از هر دوست و همسایه و فامیل و خریدهای نسیه و بعضاً گرانتر از حدمعمول و... به کار روزمره کارگران و سایر مزدبگیران تبدیل شده است.

اینان از خود سوال می‌کنند با این همه کار، این مقدار بدبختی چرا؟

به راستی در چند نقطه از جهان سرمایه‌داری می‌توان چنین وضع اسفباری را شاهد بود؟ حتی در کشورهایی که فاقد دولت مرکزی، در محاصره‌ی اقتصادی و درگیر قحطی و خشکسالی و جنگ داخلی و زلزله و نسل‌کشی (افغانستان، هاییتی، فلسطین و اتیوپی و سومالی و سودان و...)

هستند نیز، دستمزد کارگران خود را با این میزان تاخیر (۴، ۸ یا ۱۸ ماه) پرداخت نمی‌کنند! اما در هفدهمین اقتصاد جهان (ادعای بهمنی رییس بانک مرکزی شرق ۶ آذر ۸۹) این اتفاق هر روزه در ابعاد میلیونی صورت می‌گیرد بدون اینکه هیچ یک از مسولان مربوط اقدام عاجلی صورت دهند؟

بعد از این مقدمه نسبتاً طولانی باید به این موضوع پرداخت که کارفرمایان، مسولان، مدیران دولتی و صاحبان شرکت‌ها و موسسات اقتصادی در یک وحدت نظر کاملاً طبیعی و هماهنگ می‌گویند: چون در محاصره و بحران هستیم و فعلاً کالاها خوب فروش نمی‌روند و وضع خراب است نمی‌توانیم دستمزدها را به موقع پرداخت کنیم. هر

حتا درکشورهایی که فاقد دولت مرکزی، در محاصره‌ی اقتصادی و درگیر قحطی و خشکسالی و جنگ داخلی و زلزله و نسل‌کشی (افغانستان، هاییتی، فلسطین و اتیوپی و سومالی و سودان و...) هستند نیز، دستمزد کارگران خود را با این میزان تاخیر (۴، ۸ یا ۱۸ ماه) پرداخت نمی‌کنند

کسی ناراحت است استعفا دهد و برود. هر کسی هم که می‌ماند باید صبر کند!!

به نظر ما این می‌تواند مقدار کمی از بیان یک حقیقت باشد آن هم وجود یک بحران گسترده اقتصادی بر ارکان کل سیستم سرمایه‌داری است. ولی مسلماً در پیدایش، گسترش و ابعاد وحشتناک آن مردم ایران به خصوص کارگران و سایر دستمزدبگیران فقیر هیچ نقشی نداشته و خود از قربانیان بی‌پناه آن هستند.

ما با شما در شماره‌های گذشته جهان‌نویس (مثلاً مقاله شماره ۶ مقاله تهاجم سرمایه، شماره ۷ سرمقاله و...) به چند و چون و ابعاد تحمیلی این بحران اشاره کرده‌ایم. اما بطور خلاصه باید یادآوری کرد نظام سرمایه‌داری برای خلاصی از بحران فزاینده‌ی خود باید مفرهای مختلفی را بیابد

تا در نهایت بتواند بار این بحران را بر روی دوش نحیف کارگران و زحمتکشان بیاندازد و سودآوری سرمایه را تضمین نماید برای اینکار فقط می‌خواهد و می‌تواند از دستمزدهای ناچیز فرودستان کاسته بر شدت وحدت کار بیافزاید و امثالهم...

توجه کنید:

حمید حاجی عبدالوهاب معاون وزارت کار در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر اعلام کرد: نظام حقوق روزمزدی به کارمزدی تغییر خواهد کرد. وی با تأکید بر برنامه‌ریزی دولت در راستای کاهش حضور فیزیکی افراد گفت: امروز یکی از معضلات کشور فربه بودن دولت است. تغییر نظام روزمزدی به کارمزدی و همچنین عدم اعتقاد به ۸ ساعت کار روزانه، در اسلام نیز سفارش شده است. دنیا نیز به این موضوع توجه دارد. این مساله صرفاً مربوط به دولت نیست که بگوییم کارمندان دولت بیایند و وارد این سیستم شوند، چون پولی که دریافت می‌کنیم از منابعی چون مردم و از طریق مالیات، درآمد ملی و نفت است که به ما پرداخت می‌شود. همانطور که توقع داریم وقتی فردی را در قالب نیروی کار ساختمانی و برای تمیز کردن منزل استخدام می‌کنیم باید خوب کار کند تا به وی مزد بپردازیم، هر کسی که کار کرد پول بگیرد نه اینکه افراد کار نکنند و پول دریافت کنند. حال اگر ما به این سمت برویم آنوقت دولت کوچک و با کارایی بالا نیز معنا پیدا می‌کند.

آری اصل ماجرا این است که نظام سرمایه‌داری ایران در غیاب تشکل‌های فراگیر توده‌ای، تمام هست و نیست کارگران را آماج حملات بیرحمانه خود قرار داده است. نتیجه‌ی کار هم روشن است: کار شدید با کمترین دستمزد، ساعات کار طاقت‌فرسا و طولانی و شدت بی‌سابقه بدون بیمه و هر گونه تأمین اجتماعی و امثالهم و...

و این به منزله‌ی برده‌داری آن هم از نوع قرن بیست و یکمی آن است. سرمایه‌داری ایران برای این مهم در تدارک قانون کاری است که قانون کار ضدکارگری کنونی پیش آن مترقی محسوب

می‌شود؟!

در این سیستم قرار است کار خانگی (آن کاری که بدون هیچ نظارتی در خانه و عمدتاً توسط زنان و کودکان با کمترین دستمزد)، کار کتراتی و قرارداد بسیار موقت، از شمول بیمه خارج شدن واحد های تا حد ۲۰۰ کارگر و ... به مثابه یک خون جدید وارد حیات ننگین سرمایه در ایران شود. به راستی که سرمایه‌داری در میان خون و کثافت زاده شده و رشد می‌کند.

رییس پلیس اداره ی مبارزه با مواد مخدر می گوید: برای معتادین و قاچاقچیان خرده فروش در اطراف شهرهای بزرگ اردوگاه‌های کار شدید ساخته خواهد شد و به سخت‌ترین شکل ممکن و برای عبرت‌گیری؟! و اصلاح، به کار کشیده خواهند شد.

ما به مساله اعتیاد و سابقه‌ی برخورد و برنامه‌های سی و چند ساله و چند و چون آن فعلا نمی پردازم. علی‌رغم غیرانسانی بودن این سیاست در تمام ادوار، مساله این است که چنین سیاست‌هایی و با این بیکاری گسترده حدود ۱۵ درصد، عده‌ای دیگر با بیگاری و دستمزدهای بسیار اندک، البته اگر دستمزدی بدهند...؟؟؟ فشار مضاعفی را بر طبقه کارگر و این انسان‌های نگون‌بخت و مستاصل وارد خواهد کرد. سرمایه‌داری ایران به برده‌داری تمایل دارد و آن را راه‌حل مطلوب می‌پندارد!!

تا این جای قضیه ما با یک واقعیت تلخ روبرو شدیم: نظام سرمایه‌داری به چیزی بجز خانه خرابی تمام عیار و تبدیل کارگران و زحمتکشان به مشتی برده‌ی بی‌حقوق رضایت می‌دهد. حال چه باید کرد؟

آیا برای نجات از وضعیت کنونی می‌توان به قانون اساسی یا قانون کار متوسل شد؟ آیا حتا به فرض مترقی بودن قانون، مادامی که مردم نقشی در اجرای آن نداشته باشند و یا تشکیلی مستقل، ناظر بر اجرای آن نباشد، می‌توان به قوانین و نظام حقوقی متوسل شد و از آن برای کاهش آزار زحمتکشان سود برد؟ اصولاً بدون حضور مستمر تشکیلاتی کارگری و نمایندگان انتخابی آنان،

بدون آزادی بیان و نشر و... با بی‌حقوقی مفرط کنونی کدام قانون کارگری به کارفرمایان تحمیل خواهد شد؟ و چگونه؟ بهترین قانون هم بدون حضور زحمتکشان و نظارت آنان در مراحل تدوین تا اجرا، کاغذ باطله‌ای بیش نیستند.

نمونه‌های بسیاری می‌توان آورد که این مدعا را ثابت می‌کند. مثلاً در رابطه با بحث دستمزدهای عقب‌افتاده و طلب کارگران تا جایی که می‌دانیم قانون کار و وزارت کار و... حداقل مخالفتم ظاهری ندارند. پس چرا کارگران لاستیک البرز، شهرداری آبادان، قزوین و کردستان و آذربایجان و... به حقوق حقه خود دست پیدا نمی‌کنند؟

ما فکر می‌کنیم به جای فقط توسل به قانون کار در وهله‌ی اول باید به آگاهی و توان و اتحاد

آیا برای نجات از وضعیت کنونی می‌توان به قانون اساسی یا قانون کار متوسل شد؟ آیا حتا به فرض مترقی بودن قانون، مادامی که مردم نقشی در اجرای آن نداشته باشند و یا تشکیلی مستقل، ناظر بر اجرای آن نباشد، می‌توان به قوانین و نظام حقوقی متوسل شد و از آن برای کاهش آزار زحمتکشان سود برد؟

کارگران و به آزادی تشکیلاتی مستقل کارگری باور و تکیه داشت. مثلاً در مورد مساله ی دستمزدهای معوقه، تمام مزدگیران باید آن را مساله یکایک خود بدانند (امری که تا به حال و متأسفانه صورت واقعی به خود نگرفته است).

کارگران معلمان پرستاران، بازنشستگان و... علی‌رغم مبارزات گسترده‌ای که داشته‌اند ولی از هیچ یک از بخش‌های دیگر و همکاران خود حمایت لازم را نکرده‌اند. این مبارزات به وسعت تمام ایران، اما به صورت تک واحدی انجام شد. و این یک نقص جدی و یکی از دلایل ناکامی آن بوده است. آیا آنان خواست‌ها و سوال‌های خود را برای جمع‌آوری قوا هماهنگ و یک پارچه کرده‌اند؟ آیا بی‌وقفه و مستمر کارگران در محل

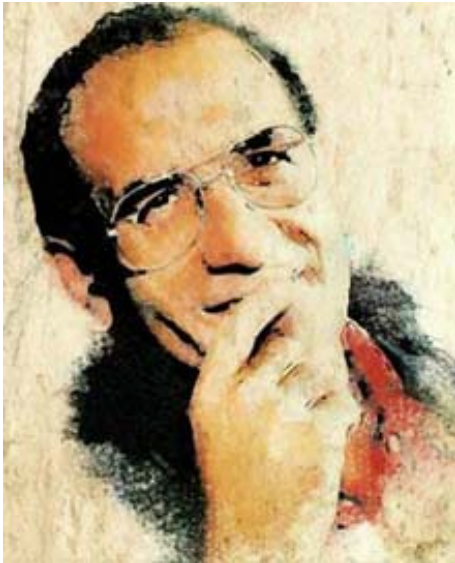
کار خود نمی‌توانند از مسولین و مدیران سوال کنند و آنها را وادار به پاسخ‌گویی شفاف کنند؟! آیا کارگران فولاد سپاهان مبارکه و ذوب‌آهن اصفهان، صنم، صبا باتری، ایرانخودرو، سایپا، نساجی مازنداران، شهرداری بندرعباس، تراکتورسازی و ده‌ها کارخانه‌ی بزرگ دیگر نباید خواستار انحلال باشگاه حرفه‌ای ورزشی با آن مخارج و حقوق و دستمزدهای باورنکردنی و نجومی چند صد میلیونی بازیکنان و مربیان آن شوند؟ در شرایط کنونی فرزندان کارگران از داشتن حتا یک دوچرخه‌ی خوب، استخر شنا، زمین و لباس ورزشی و ... محروم هستند. فایده‌ی این همه هزینه برای کارگران و زحمتکشان چیست؟*

احمد توکلی گفته است یکی از مدیران خصوصی بانک‌ها سالی ۶۰۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد. (امید جوان ۲۹ آبان) اگر بحران اقتصادی وجود دارد که دارد پس چرا برای مدیران و شورای ایرانیان خارج از کشور هیچ گونه (اعتراف کیهان ۸۰ میلیارد تومان خرج برگزاری همایش ایرانیان خارج کشور شده است.

برای این ولخرجی‌ها مانع و محدودیتی وجود ندارد. برای ساخت فیلم ملک سلیمان، دولت چند میلیارد کمک مالی کرده است. پس چرا کارگران نباید خواستار تخصیص این پول‌ها برای بهبود وضعیت دشوار خود شوند؟ آیا ظرف قانون کار

فعلی ظرف مناسبی برای بیان این امور است؟ واقعیت این است که تمام این ولخرجی‌ها از کیسه‌ی کارگران و زحمتکشان و با مجوزهای قانونی صورت می‌گیرد و کارگران پراکنده و بدون تشکل حتا قادر نیستند. تصمیم و اراده‌ی خود را برای آینده‌ی روشن فرزندان‌شان به گوش تمام دوستان و همکاران خود برسانند.

* در آینده در رابطه با دستمزدهای معوقه و به عنوان یکی از سرفصل‌های گرفتاری و همچنین مطالبات و خواست‌های کارگران مطالب دیگری خواهیم داشت. همین جا از تمام فعالین کارگری و... تقاضا داریم پیشنهادات خود و نظرات و راهکارهای خود را ارائه نمایید.



به مناسبت روز جهانی مبارزه با سانسور

فرهنگ حذف و سیاست سانسور

محمد مختاری

سانسور در معنای مصطلح و معمولش، وجه خاص و جدید و مربوط به ابزارها و اشکال اندیشه و بیان است که از آغاز صنعت چاپ، با تحصیل اجازه برای چاپ کتاب، توسط کلیسا یا حکومت‌های استبدادی اروپا باب شد؛ و به بازرسی مطبوعات و کنترل خبر تسری یافت. از دوره قاجار نیز به روش‌های حکومت ما سرایت کرد، و به جامعه ما انتقال یافت.

کشور ما در حالی با معنای جدید سانسور آشنا شد، و تجربه‌ی آن را از قرن نوزدهم آغاز کرد، که اخذ پروانه برای چاپ کتاب، صد سال پیش از آن در خود اروپا از میان رفته بود؛ و پس از انقلاب فرانسه، آزادی نطق و بیان و انتشار کتاب و روزنامه در قوانین اساسی اغلب کشورها تأمین شده بود.

اما "حذف" وجه عام و قدیم و مربوط به تمام عرصه‌های پندار و گفتار و رفتار و کردار و نوشتار است که مشخصه یا عارضه‌ی دیرینه است؛ و هویت حاکم و محکوم، و حدود فکر و عمل، یا مجاز و غیرمجاز، و نحوه‌ی سلوک و روابط هر یک از این دو را در این فرهنگ، معین می‌داشته است. منتها از آنجا که تعیین‌کننده‌ی حدود مجاز و غیرمجاز، تنها حاکمان بوده‌اند، "حذف" اساساً گریبان محکومان را می‌گرفته است.

اصولاً استقرار و گسترش سیاست سانسور، جز بر پایه‌ی گرایش و نگرش معطوف به "فرهنگ حذف" امکان‌پذیر نیست. به همین سبب نیز هر چه به گذشته‌ی ملت‌ها و فرهنگ‌ها نزدیک‌تر شویم، رابطه‌ی حذف و سانسور را قوی‌تر، گسترده‌تر و مستقیم‌تر می‌یابیم. چنانکه در رم باستان یا دوران حکومت کلیسا نیز مامور یا مفهوم سانسور، به دخالت و کنترل و عیب‌جویی در تمام

زمینه‌های عقیدتی و بیانی و عملی و ارتباطی مربوط بوده است. یعنی خط قرمزی بوده که هر جا اراده می‌کرده‌اند کشیده می‌شده است. حال آنکه در "جامعه‌ی مدرن" پس از رنسانس و عصر روشنگری، که فرهنگ حذف، دست کم از لحاظ نظری و اصولی، نفی و طرد شده، و آزادی و خرد و حق فرد و تفکر انتقادی پا گرفته است، مفهوم حذف و سانسور نیز کلاً مذبوم و متفی شناخته شده است، و مقاومت در برابرش حق طبیعی و بدیهی افراد جامعه به حساب آمده است.

...جامعه‌ای که تحمل و مدارا و تفکر انتقادی و تنوع اندیشه‌ها را تجربه نکرده، بل که به حذف ارزش‌ها و گرایش‌ها و روش‌های مخالف عادت داشته است، هر پدیده‌ای را با ترکیبی از فرهنگ حذف و سیاست سانسور محک می‌زند. یعنی هم از طریق رفتارهای نهادی شده و اخلاق فردی و اجتماعی و عرف و افکار عمومی، از اختلاف و

به همین ترتیب است حذف تدریجی یا یکباره‌ی مفاهیمی که بار سیاسی- اجتماعی- اقتصادی ویژه‌ای دارند و بازمانده‌های دوران انقلابند، مانند عدالت، مستضعف، آموزش رایگان، آزادی احزاب و غیره که طی دوسه سال یا از حافظه‌ی جامعه حذف می‌شوند، یا معناهای جدیدی می‌یابند. چنانکه اخیراً بانکها تبلیغ می‌کنند که با پس انداز به عدالت اجتماعی می‌رسیم!

تنوع پرهیز می‌کند، و با دستورالعمل‌های ریز و درشت به خودسانسوری و دیگرسانسوری در همه‌ی زمینه‌ها مبتلا می‌ماند، و هم به استعانت و هدایت نهادهای قدرت به اعمال و افکار و حتا سلیقه‌های ثابت و یک‌نواخت و متحدالشکل می‌گراید. در نتیجه به سیاست سانسور مستقیم و غیرمستقیم متوسل می‌شود.

...به همین ترتیب است حذف تدریجی یا یکباره‌ی مفاهیمی که بار سیاسی- اجتماعی- اقتصادی ویژه‌ای دارند و بازمانده‌های دوران انقلابند، مانند عدالت، مستضعف، آموزش رایگان، آزادی احزاب و غیره که طی دوسه سال یا از حافظه‌ی جامعه حذف می‌شوند، یا معناهای جدیدی می‌یابند. چنانکه اخیراً بانکها تبلیغ می‌کنند که با پس انداز به عدالت اجتماعی می‌رسیم!

... البته فرهنگ حذف تنها از طریق سیاست‌ها و عملکردهای برنامه‌ریزی شده‌ی نهادهای قدرت تسری و تعمیم نمی‌یابد. بل که نوع معرفت و خلق و خو و خصلت افراد، خود مساعدترین وجه و وسیله‌ای برای استقرار و استمرار آن است. به همین سبب در هر گوشه از زندگی در روابط و برخوردهای افراد نیز متجلی است. چه درون خانواده که با تحکم و تقوق مردانه و پدران حق و رای و نظر زن و فرزند نادیده گرفته می‌شود؛ و چه در اداره و کارگاه که هر کس نفی دیگری را نردبان ترقی خود می‌کند. به همین ترتیب است رفتارهای و برخوردهای حذفی در محله و خیابان و شهر و روستا و مدرسه و دانشگاه و بازار و صنف و انجمن و گروه و سازمان و حزب و... که غالباً به منظور نفی و حذف دیگران و اثبات و تثبیت خویش صورت می‌گیرد.

...در این یکصد و پنجاه ساله که از آغاز چاپ کتاب و روزنامه در ایران گذشته است، جامعه‌ی ما

میان دو فرهنگ ناهمزمان، نامتجانس و ناهم‌ساز گرفتار بوده است. دو وجه فرهنگی قدیم و جدید، هم از لحاظ مبانی و اصول و ارزش و گرایش و روش با هم در اختلافند، و هم از بابت توزیع اجتماعی این ارزش‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها، نامتعادل و نامتوازنند. لایه‌ی نازک و محدودی از جامعه در جهت فرهنگ نو و به اصطلاح مدرنیته و مدرنیسم است که مبشر و مستلزم استقرار "جامعه‌ی مدنی" است و خواهان آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی است. در مقابل لایه‌های تودرتو گسترده‌ای از جامعه نیز بر مبانی ثابت و تغییرناپذیر و قدیم سنت استوار مانده‌اند که از حق فرد در تعیین سرنوشت، و آزادی و خرد، و استقرار و بسط نهادهای مشارکت و مدارا، به طور کلی از "تحزب" و "تفکر انتقادی" تجربه یا ادراکی تاریخی ندارند.

... از نظر نهادهای سیاسی این فرهنگ، حذف بخش یا بخش‌هایی از فرهنگ و فرهنگ سازان مخالف یا به اصطلاح دگراندیش، از جمله نویسندگان و هنرمندان، بسیار طبیعی و بهنجار است. در اینجا "حذف" یک عارضه یا مصلحت و اقتضای سیاسی صرف نیست. بل که گرایش و نگرش و روشی است که به کمتر از نفی معنوی یا فیزیکی ارزش‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها و افراد مخالف رضایت نمی‌دهد.

از سال‌های انقلاب تا کنون، کم نشنیده‌ایم که برای مجازات کسی با کوچک‌ترین جرم یا اتهام یا حتا توهم جرم، فریاد برآمده است که "اعدام باید گردد." چه افراد و گروه‌های هوادار دولت و چه افراد و گروه‌های مخالف حکومت، با یک زبان خواستار حذف در هر بعدی بوده‌اند و تنها مصداق‌ها با هم فرق می‌کرده‌اند. در بسیاری از موارد، احکام از پیش صادر شده است. منتها گاه امکان و ابزار و قدرت اجرا برای فرد یا گروهی وجود داشته، و گاه وجود نداشته است. انگار قانون یا عرف یا افکار عمومی، هیچ مجازات دیگری جز "اعدام" نمی‌شناخته یا وضع نکرده است. مهم تشخیص هویت مخالف است که باید از میان برداشته شود.

... استبداد تنها در وجود یک سلطان خودرای یا رئیس حکومت مستبد متبلور نیست. بل که در نظمی ذهنی و عینی هم معنا می‌شود که به حق فردی و اجتماعی افراد جامعه باور ندارد. در چنین نظمی یا اساساً قانونی در کار نیست، یا قانون تابع اراده‌ی مصادر امور و برقراردارندگان نظام است. نه کسی حق تغییر مبنای تثبیت شده را دارد، و نه مکانیسمی اجتماعی برای چنین تغییری، یا برای درخواست آنان وجود دارد. تغییر احکام تنها در اختیار نهادهای معین قدرت است. فقط خود آنان به‌هنگامی که از بابتی مصلحت بدانند یا ضرورتی تشخیص دهند، می‌توانند در احکام و سنت‌ها و دستوالعمل‌ها تجدید نظر کنند. یا تعبیرها و

...در اینجا این نکته را باید یادآور شوم که شباهت و اشتراکی که امروزه در عمل‌کرد دموکراسی‌های غربی و حکومت‌های استبدادی برقرار است، در این است که هر دو به یاری رسانه‌ها و ارتباطات و تبلیغات، هم افکار عمومی می‌سازند، هم افکار عمومی را به سکوت وامی‌دارند و هم بخشی از جامعه را به جای افکار عمومی جا می‌زنند.

تفسیرهایی از آن‌ها به اقتضا ارایه دهند. مراجعه به افکار عمومی هم برای تأیید تصمیم‌های گرفته شده است.

...البته امروزه هیچ حکومت استبدادی نیز وجود ندارد که بتواند بی‌نام آزادی برقرار بماند. یا از مشارکت و رشد سیاسی مردم در تأیید خود دم نزند. منتهی بی‌باوری به آزادی و حق انتخاب و خرد جمعی را می‌توان به سادگی از طریق سنجش میزان مشارکت سیاسی مردم بازشناخت. مشارکت سیاسی یکی از ارکان مهم و اساسی رشد سیاسی یک ملت است. معمولاً با وجود احزاب سنجیده می‌شود. قدرت و نهادمندی و سازمان یافتگی

احزاب، معیار وجود مشارکت و رشد سیاسی است.

بعضی از حکومت‌های مبتنی بر فرهنگ "تکلیف" حضور بخشی از مردم را در اجتماع‌های تأییدآمیز، دلیل رشد سیاسی قلمداد می‌کنند. در حالی که مشارکت سیاسی مردم با حضور آنان در راه‌پیمایی‌های رسمی یا خودانگیخته و موافق یا مخالف حکومت‌ها، شناخته نمی‌شود. زیرا چنین حضوری "نهادینه" نیست. هر روز در معرض پراکندگی یا تغییر است. اساس نیز از مختصات جوامع توده‌وار است، نه نشان جامعه‌ی دموکراتیک و آزاد.

...در اینجا این نکته را باید یادآور شوم که شباهت و اشتراکی که امروزه در عمل‌کرد دموکراسی‌های غربی و حکومت‌های استبدادی برقرار است، در این است که هر دو به یاری رسانه‌ها و ارتباطات و تبلیغات، هم افکار عمومی می‌سازند، هم افکار عمومی را به سکوت وامی‌دارند و هم بخشی از جامعه را به جای افکار عمومی جا می‌زنند.

این ویژگی که از دموکراسی‌های غربی نشأت گرفته است، در پی دور داشتن جامعه از سنجش خردمندانه‌ی ارزش‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها است.

منتهی در حکومت‌های استبدادی افکار عمومی، از سرناباوری به مشارکت عمومی، مستقیماً هم سانسور می‌شود و در این راه فرهنگ حذف مخصوص به همین افکار عمومی نیز به کار گرفته می‌شود. به همین سبب نیز در چنین جامعه‌ای دوگونه افکار عمومی وجود دارد. یکی آشکار و یک‌دست و رسمی و در خدمت حکومت؛ دیگری پنهان و گوناگون و خودانگیخته و در مخالفت با حکومت، که به شکل زرمه‌های درگوشی یا نق زدن‌های اجتماعی و طنزهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی گسترده است.

اما در دموکراسی‌های غربی، افکار عمومی با مکانیسم‌های غیر مستقیم تبلیغی، ارتباطی، و یا هدایت‌های سودجویانه و اقتدارطلبانه در جهت خواست‌ها و منافع صاحبان قدرت قرار می‌گیرد، یا کنترل می‌شود. یعنی در حقیقت دموکراسی

سبب انتقال تدریجی حاکمیت اکثریت به حاکمیت کارگزاران می‌شود. افکار عموم از طریق تبلیغات و دامن زدن به هیجان‌ها و دورماندن از استدلال و انتقاد، به تصمیم‌گیری‌های احساساتی و گاه گله‌وار و برخورد‌های فارغ از تفکر کشیده می‌شود.

علت این امر در استقرار نظامی است که آزادی و خرد و حق انتخاب را نه در جهت موازنه میان حقوق دموکراتیک و برابر مردم، بلکه صرفاً در راستای "عقلانیت اقتصادی" متمرکز کرده است. در نتیجه جامعه را از توزیع عادلانه‌ی "آزادی" و "حق" و "خردانتقادی" محروم داشته است.

مثلاً در امریکا می‌توان طرحی را هر اندازه هم سودمند باشد، با "غیرامریکایی" جلوه دادن در افکار عمومی، مردود شمرد. و این در جایی است که به قولی هر امریکایی حق دارد همین امروز برای رقابت با روزنامه‌های "نیویورک تایمز" یا "شیکاگو تریبون" به تاسیس روزنامه‌ای بپردازد. اما این تساوی حقوق، در واقع یک شوخی بیش نیست. قدرت CNN، هم در سانسور خبری و هم در ساختن افکار عمومی در جنگ خلیج فارس، بر هیچ کس پوشیده نمانده است.

این همان مشخصه‌ای است که امروزه منتقدان ایدئولوژی بورژوازی با عنوان "خردباوری ابزاری" آن را به نقد کشیده‌اند. خردی که خودمختاری‌اش را از دست بدهد، ابزار می‌شود، و به انقیاد روند اجتماع در می‌آید. در نتیجه تنها معیارش، ارزش عملی‌اش، و نقشش در سبطره بر آدمیان و طبیعت است. حتا به تعبیری، خردی که ابزاری می‌شود، ناخردمندانه هم می‌شود، و چون ناخردمندانه می‌شود، در خدمت منافع گروه‌های ممتاز جامعه در می‌آید. و این، تخریب خود خرد است. در نتیجه حتا می‌تواند سلاحی شود برای سرکوب و روند سقوط به وحشیگری.

بدین ترتیب حذف اندیشه‌ی انتقادی، مبنای موثری در سوق دادن مردم یک جامعه به سوی هم‌شکلی و افکار قالبی و گرایش و روش جزمی است. از همین طریق است که تحزب نیز که مهم‌ترین مکانیسم دموکراسی در استفاده از حق

تعیین سرنوشت افراد است، به وسیله‌ی خدمت مراجع قدرت در می‌آید؛ و جامعه از رشد سیاسی باز می‌ماند، یا اساساً غیرسیاسی می‌شود.

اما طرح فرهنگ جدید در جامعه‌ی ما از همان آغاز مشروطه، دستخوش مناسبات دیکتاتوری و استعمار، و مستمسک سیاست‌های آنان نیز بوده است. از این رو نه تنها به تجربه‌ی نهادی تبدیل نشده‌است، بلکه دست و پا شکسته و غالباً در فروع و ظاهرسازی‌های سیاسی و مدنی باقی مانده است. در نتیجه در احاطه‌ی فرهنگ گسترده و قدیم "حذف"، به صورت ملغمه‌ای در آمده است از قواعد و قوانینی آمیخته به اماها و اگرها و مگرها و شرط و شروطی که جان آزادی را گرفته و

به قولی هر امریکایی حق دارد همین امروز برای رقابت با روزنامه‌های "نیویورک تایمز" یا "شیکاگو تریبون" به تاسیس روزنامه‌ای بپردازد. اما این تساوی حقوق، در واقع یک شوخی بیش نیست. قدرت CNN، هم در سانسور خبری و هم در ساختن افکار عمومی در جنگ خلیج فارس، بر هیچ کس پوشیده نمانده است.

مقابل تن سانسور را فربه کرده است. این تقاطعی است که بیش از تکیه بر "جامعه‌ی مدنی" بر معیارهای سنتی "تکلیف" و "حذف" استوار است. ضمن این‌که به تمام عوارض و تجربه‌های بازدارنده و غیرمستقیم غربی نیز مجهز شده است.

تاریخ یکصد ساله‌ی ما به خوبی نشان می‌دهد که این‌گونه التقاط میان دو نوع فرهنگ و ارزش و گرایش و روش، جز در جهت تجربه‌های بازدارنده، راه به جایی نبرده است. در این گونه التقاط، یک وجه از این دو فرهنگ، در عمق و نهان یا در سطح و آشکارا، بر وجه دیگر مسلط

مانده است. کسانی هم که غالباً از آرزوی ترکیب این دو سخن گفته‌اند، از حد بیان رمانتیسمی آرمانی و مبهم و حتا کلی‌بافی فراتر نرفته‌اند. مبنای و مفهوم و مشخصات نظری و عملی این ترکیب را روشن نکرده‌اند، که البته امید است روزی روشن شود. همین کلی‌بافی رمانتیک و مبهم نیز همواره از یک "خط قرمز" آغاز شده، و به "خط قرمز" دیگری انجامیده است. نشانه‌های آشکار این نوع برخورد را می‌توان در جنبش اجتماعی چند دهه‌ی اخیر، حول مخالفت با غرب‌زدگی باز شناخت.

همین سیاست‌های تعدیل اقتصادی، به وضوح نشان داده است که هرگونه تاکید بر اقتصاد ویژه‌ی فرهنگ سنتی در برابر اقتصاد مدرن، یا سراب بوده یا تبلیغات، یا آرزوهایی که جای برنامه‌ی سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی نداشته است.

همچنان که سیاست‌های مربوط به آزادی اندیشه و بیان و سانسور، یا قوانین مربوط به حق انتخاب و آزادی‌های سیاسی و محدودیت و موانع فعالیت احزاب و نهادهای دموکراتیک و... نشانگر وجوه دیگر از این التقاط است.

فرهنگ و جامعه‌ی التقاطی هم دچار عوارض قدیم است و هم از مشکلات جدید رنج می‌برد. هم از حذف فرهنگی قدیم سود می‌جوید، و هم از سانسور در تجربه‌های جدید غربی استفاده می‌کند. هم به "تابو"های قدیم مفتخر است، و هم با سنت‌شکنی‌های جدید وسوسه می‌شود. هم حذف و سانسور را بدیهی و طبیعی می‌انگارد، و هم از حقوق افراد به لقلقه‌ی زبان یاد می‌کند. سنت در رقابت با نو چاره‌ای جز این ندارد که منطق آن را بپذیرد. از این رو در مواجهه با حق انتخاب و خرد و آزادی، ناگزیر شده است از طریق خود آن‌ها، آن‌ها را نقض کند، و این طریق همان ترکیب امروزی حذف و سانسور است.

*مقاله‌ی فرهنگ حذف و سیاست سانسور، از کتاب تمرین مدارا، محمد مختاری، انتشارات ویستار، ۱۳۷۷

جسدی در شهر

شاهدان می گویند:

جسدی بار دیگر

آمده داخل شهر

سخت می گردد و دنبال کسی ست

شاهدان می گویند

گفته با بانگ بلند

که مرا کشته به ناحق

مردی؟

که مرا کشته به حق

نامردی؟

شاهدان می گویند

همه دیدند تن زخمی او

زخم خونین سر و صورت و تن

زخم شش دشنه به پشت و گردن

پنج زخم به پهلو و سه زخم

بر سر و صورت او

و به قلبش زده اند بازده زخم عمیق

شاهدان می گویند

بار دیگر گفته ست:

گر چه کشته ست مرا نامردی

لیک من در پی او نامدم از دل گور

آدمم تا شاید

خبر از گم شده ام گیرم و بس

دختر کوچک من تنها بود.

رسوایی

سیاست رسمی

انتشار بیش از ۲۵۰۰۰۰ سند وزارت خارجه امریکا توسط سایت ویلکی لیکس همچون یک بمب خبری تمام رسانه های جهان را تحت تاثیر خود قرار داد. هر چند بیشتر این اسناد حاوی گفت و گوهای دیپلماتیک و غیرعلنی میان سیاستمداران بود و تقریبا تا کنون هیچ سندی از سیاست های ضد انقلابی و اتحاد عمل ها و توافقات پشت پرده جناح های سرمایه داری برای سرکوب جنبش های انقلابی و برنامه های آنان جهت نفوذ و انحراف در جنبش کارگری و ... افشا نشده است. اما تا همین حد نیز موجب خشنودی و رضایت خاطر حداقل کسانی است که به سیاست "از منظر انسانی و دموکراتیک آن توجه دارند.

صرف نظر از اهمیت انتشار این اسناد آن چیزی که بسیار مهم و رسواکننده می باشد برخوردی بود که مشخصا دولت امریکا و متحدانش یعنی سایر دول سرمایه داری از خود بروز دادند. زیر لوای به خطر افتادن امنیت جانی شهروندان و نظامیان امریکا در نقاط مختلف جهان در تخطئه کامل

آزادی بیان و آزادی اطلاعات و نشر با تهدید به قتل، فیلترینگ و بستن و محدودیت های فراوان و عجیب و غریب سایت ویکی لیکس و توقیف حساب های مدیر سایت در سوئیس (دموکراتیک ترین کشورهای جهان!!) و در نهایت با دستگیری جولیا سانگ در انگلیس. میزان پایبندی خود را در عمل به آزادی بیان به ثبوت رسانده اند. آن روی دیگر سکه هم حاکی از برملا شدن نقش سیاست در بین دولتمردان است. آنهایی که با لبخندهای چندش آور خود در جلوی دوربین ها و فشردن دست های خون آلود یکدیگر

این مدل از دموکراسی که رای

دهندگان هر چند سال یک بار کسانی

را انتخاب می کنند و سپس تا چند

سال بعد نمی توانند هیچ بازخواست

یا نظارت مفیدی بر اعمال و کردار

آنان داشته باشند و هیچ تغییر در

عملکرد آنها بوجود آورند خود یک

نقیصه ی کامل به شمار می رود.

می خواستند صمیمیت و ارادت و روابط پایدار خود را به رخ توده های مردم بکشند و برای خود اعتبار و آبروی دست و پا کنند و حکومت خود را جاویدان نمایش دهند. و در نتیجه مردم را

مایوسانه به کنج خانه فرستاده و با بی تفاوتی آنها خود ره ثروت اندوزی و ... مشغول باشند. چهره کریه و منفورشان از زیر نقاب ریاکاری و دروغ پردازی بیرون آمد. و دشته ها و خنجرهایی که برای منافع طبقاتی در پشت خویش پنهان کرده بودند در معرض دید همگان قرار گرفت.

لازم به یاد آری است که در بعضی از این اسناد شاه مرتجع عربستان با همگامی شاه بحرین و اردن و ولیعهد امارات خواستار حمله ی نظامی امریکا به ایران و به خاک و خون کشاندن مردم بیگناه هستند. جالب اینکه دولتمردان ایران که برای تبلیغات آن هم به خاطر تغییر نام خلیج فارس چه عکس العمل ها که نشان می دادند در این مورد بر ادامه ی روابطشان سکوت کرده اند!!

اگر اخبار مبارزات کارگران و توده های محروم را در اروپا و مشخصا در فرانسه یونان و انگلیس مرور کنیم وجه دیگری از این بی آبرویی عیان خواهد گشت. اکثر مردم زحمتکش خواستار حقوق و مطالبات طبیعی و مورد تهاجم قرار گرفته ی خود هستند ولی دولت ها و پارلمان ها بدون توجه به خواست این اکثریت عظیم از رای دهندگان، با دشمنی و عداوت کم نظیری مسیر ضد کارگری خود را پی گرفتند. این مدل از دموکراسی که رای دهندگان هر چند سال یک بار کسانی را انتخاب می کنند و سپس تا چند سال بعد نمی توانند هیچ بازخواست یا نظارت مفیدی بر

اعمال و کردار آنان داشته باشند و هیچ تغییر در عملکرد آنها بوجود آورند خود یک نقیصه‌ی کامل به شمار می‌رود.

به همین دلیل نمایندگان سیاسی طبقه‌ی سرمایه‌دار در قدرت خیلی واضح و با وقاحتی بی‌مانند تمام مردم را به هیچ انگاشته و کار خود را کردند. مبارزات یاد شده اثبات ناکارآمدی و عقب ماندگی این وجه از دموکراسی پارلمانی برای اکثریت جامعه بود و قطعاً در جمع بندی از این جنبش و مبارزات سیاسی آینده بخصوص مبارزه‌ی طبقاتی کارگران باید جایگاهی را به خود اختصاص دهد.

دموکراسی پارلمانی موجود در اروپا در عمل اثبات کرد که مردم در نظر آنها فقط منافع طبقه‌ی سرمایه دار است و سیاست های دیکته شده‌ی اتحادیه اقتصادی اروپا و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است و بس. این دموکراسی خود ثمره مبارزات بی شمار و جانفشانی‌های کل طبقه‌ی کارگر و سایر زحمتکش‌ان است. ناقص‌تر از آن است که بتواند حداقل‌های معیارهای دموکراتیک را در دوران بحران اقتصادی حتا در آن جوامع تضمین کند. این نشانه‌ی دیگری است از رسوایی سیاستهای جاری و عمومی دولت‌های سرمایه‌داری که به یمن مبارزات طبقه‌ی یکارگر اروپا صدای افتادن طشت رسوایی آن از بالای برج ایفل به گوش تمام جهانیان رسید و مجموعه‌ی دستاوردهای سیاسی - انسانی بشریت اضافه گردید. ودانش سیاسی و علوم انسانی را با سوالات جدی روبرو ساخت.

در همین کش و قوس طبقه‌ی کارگر اروپا با دشمنان طبقاتی‌اش، انتشار کتاب خاطرات جرج بوش و اعتراف بی‌پرده و دستور برای شکنجه زندانیان این زنجیره رسوایی را کامل تر کرد. نماینده‌ی سیاسی طبقه‌ی پرمدعایی که می‌خواهد جهان را مطابق الگو و نظم مورد نظر خود سرو سامان دهد. علیرغم بهره‌مندی فراوان از تکنولوژی فوق مدرن و آن همه پول و امکانات و تجربه و خیل عظیمی از دانشمندان و مدیر و متخصص برای ثبات و دوام خود نیازمند حربه کثیفی همچون شکنجه است!! و این گویای تمام آن

چیزی است که آن را در تخصص خود داشته و در انحصار خود می‌خواهند (اداره جهان و سیاست ورزی) و چنین است معنای روشن پرداختن به سیاست در نظم سرمایه داری.

اگر از زمان‌های دور تا دوران فاجاریه و پهلوی سیاست را مترادف دروغ‌گویی، حیل‌گری، بی‌رحمی و غیره معرفی می‌کردند، اگر در سال‌های اخیر سیاست را امری مقدس تبدیل که باید فقط توسط افراد منزله به کار گرفته شود و توده‌های مردم حداکثر می‌توانند به انتخاب‌های آنان رای مثبت دهند یا در یک شکل کاریکاتورگونه ده یا ۱۵ نفره در جایی به نام

اداره شهرهای بزرگی مثل تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، اراک و کرج و... به شکل مفتضح کنونی که حتا از تامین اکسیژن کافی برای تنفس شهروندان خود هم ناتوان است، سند دیگری است از رسوایی معمول، بخصوص برای کسانی که می‌گویند حامل بهترین راه حل‌ها برای اداره‌ی جهان هستند و البته برای بسیاری دیگر.

شورای شهر آن هم برای اداره‌ی شهرهای چند میلیونی انتخاب و سپس راهی خانه‌های خود شوند. اداره شهرهای بزرگی مثل تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، اراک و کرج و... به شکل مفتضح کنونی که حتا از تامین اکسیژن کافی برای تنفس شهروندان خود هم ناتوان است، سند دیگری است از رسوایی معمول، بخصوص برای کسانی که می‌گویند حامل بهترین راه حل‌ها برای اداره‌ی جهان هستند و البته برای بسیاری دیگر. فقط بدین خاطر است که مردم به اصطلاح سیاست را رها و به زندگی معمول خود بپردازند

اما چاره‌ی کار در نگاهی از جنس متفاوت است. به نظر ما می‌توان و می‌باید سیاست را از یک امر پیچیده و از انحصار عده‌ای خاص خارج کرد. آن را ساده و در دسترس همگان قرار داد. بدین خاطر باید امکانات مادی و جانبی آن را فراهم کرد تا گسترده‌ترین بخش‌ها و اقشار توده‌های مردم به مشارکت و فعالیت سیاسی روی آورند. بدین خاطر کم هزینه‌ترین سالم‌ترین و ثمر بخش‌ترین راه‌ها دموکراسی مستقیم است که تبلور عینی آن وجود شوراهایی است که تمام امور، آزادی و برطرف ساختن مشکلات یک محله گرفته تا بزرگترین معضلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی رد یک روند آگاهانه و توسط خود آنان حل و فصل می‌شود. در این مدل از بالا تا پایین چون تمام امور توسط خود آنان هدایت و انجام می‌شود فساد به نقطه‌ی صفر رسیده و هیچ نیازی به دیپلماسی پنهان وجود ندارد و به کلی ممنوع می‌شود. این یکی از شروط اصلی دموکراتیک بودن است. مردم تا انتخابات بعدی منتظر نمی‌مانند تا عده‌ای عمدتاً شیاد و شارلاتان سیاسی به کرسی‌های پارلمانی و دولت دست یابند (همچون احزاب مختلف در امریکا، انگلیس و فرانسه و...) در سیستم دموکراسی شورایی اتوماتیک‌وار نه تنها آزادی بیان بلکه سایر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی همه روزه و با تمام ابعاد جریان داشته و با جدیت از آن مراقبت و بر آن نظارت می‌شود.

پس جای تعجب نخواهد بود که در یک حکومت شورایی دموکراتیک امثال جرج بوش و سارکوزی و ملک عبدالله نه تنها قدرت و شکوتی نداشته دزد و فاسدشان در شورای همکاری خلیج فارس و سایر برادران‌شان در تمام نقاط جهان به اتهام جنایت علیه بشریت به پای میز دادگاه فراخوانده شوند.

بدین سان مقوله‌ی سیاست و مشارکت سیاسی نه تنها یک حق و مفهوم انتزاعی و کلی بلکه وظیفه‌ای خوشایند و ضروری و مفید برای هر چه بهتر تعیین کردن سرنوشت انسان تبدیل خواهد شد.

حقوق بشر ما حقوق بشر آنها

بسیاری از روشنفکران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران مطالبی چند در لزوم رعایت حقوق بشر نوشته‌اند. همواره اگر در کشوری یا در میان قومی آزادی‌های اجتماعی رعایت نشده یا افراد به زندان‌های سخت و طویل‌المدت، شلاق و اعدام محکوم شده‌اند، طرفداران حقوق بشر به جا و به حق به آن اعتراض کرده‌اند. امروزه یکی از مسایل مهم برای جوامع متمدن و پیشرفته این است که آزادی‌های اجتماعی و مطبوعات، اشتغال در آن فراهم باشد. زندانی سیاسی از یک حقوق متداول در سطح جهانی برخوردار باشد و کسی به خاطر داشتن دین و مذهب و یا هر عقیده‌ای به دادگاه نکشانند، حریم خصوص افراد را رعایت کنند و روابط میان افراد بر مبنای خواست و رضایت خودشان باشد و... آزادی مطبوعات به معنای آن است که هیچ نوشته‌ای قبل از چاپ بررسی نشود و این آزادی برای همگان بی‌حصر و استثنا وجود داشته باشد و انسان‌ها بتوانند نظرات خود را در هر زمینه‌ای بیان کنند. تمام این موارد از حقوق مسلم انسان‌هاست که باید رعایت شود و طرفداران حقوق بشر همواره از آن دفاع کرده‌اند.

اما مساله‌ای که در این میان مغفول مانده است و کمتر به آن پرداخته شده، حق داشتن یک زندگی شرافتمندانه برای آحاد بشر است. حق داشتن کار و درآمد کافی برای تمام افراد بشر از زن و کودک امری است که نباید آن را از حقوق بشر جدا کرد. صاحبان سرمایه و بنگاه‌های اقتصادی تنها به سود سرمایه‌شان می‌اندیشند و دولتمردان و صاحبان قدرت تنها بدان فکر می‌کنند که نیروی کار ارزان و بی‌دغدغه را برای آنان سود کافی فراهم کنند. امروزه یکی از موارد اساسی نقض حقوق بشر فراهم نبودن کار برای همه و در نتیجه خرید و فروش نیروی کار به ارزان‌ترین قیمت است.

بیکاری و ارزان بودن نیروی کار سبب می‌شود تا انسان‌های زیادی مجبور به فروش نیروی کار خود به ارزان‌ترین قیمت شوند. قیمتی که برای بدست آوردن اولیه‌ترین مایحتاج معاش کافی نیست. وجود یک میلیارد و دویست میلیون نفر از ساکنان کره زمین در زیر خط فقر مطلق، بر طبق آمارهای رسمی سازمان ملل متحد (که البته آمار غیررسمی بسیار بیش از آن است) بیانگر پایمال شدن حقوق بشر به بدترین شکل آن است.

آیا یک انسان گرسنه که اصطلاحاً زیر خط فقر زندگی می‌کند، می‌تواند از آزادی بیان اهدایی استفاده کند؟ آیا انسانی جنگ زده که کشورش اشغال شده و تمام زیرساختهای اقتصادی آن

با همه احترامی که طرفداران حقوق بشر دارند، باید به این سوال جواب دهند که آیا هیچ‌گاه اندیشیده‌اند که انسان‌ها، حقوق بیشتری از آنچه آنها می‌گویند، دارند؟ آیا مثلاً حق کار و داشتن یک حداقل درآمد برای گذران یک زندگی شرافتمندانه، جزء حقوق بشر نیست؟

تخریب شده و هر روز مرگ در کمین او و فرزندانش است، می‌تواند از این آزادی‌های اهدایی استفاده کند؟ کشور بزرگی مانند هندوستان را در نظر بگیریم که مثلاً بزرگترین دموکراسی جهان است، روزنامه‌ها آزادند، حق آزادی بیان و اندیشه تا حدود زیادی در آن رعایت می‌شود و زندانیان سیاسی از حقوق نسبتاً بیشتری نسبت به کشورهای همجوار برخوردارند و.. اما وجود صدها میلیون گرسنه و زیر خط فقر، میلیون‌ها آواره و زاغه‌نشین سبب می‌شود تا نتوانند از این آزادی‌های عادی استفاده کنند. زیرا این صدها میلیون گرسنه تمام هم و غمشان تامین اولیه‌ترین نیازهای زیستی‌شان است.

با همه احترامی که طرفداران حقوق بشر دارند، باید به این سوال جواب دهند که آیا هیچ‌گاه اندیشیده‌اند که انسان‌ها، حقوق بیشتری از آنچه آنها می‌گویند، دارند؟ آیا مثلاً حق کار و داشتن یک حداقل درآمد برای گذران یک زندگی شرافتمندانه، جزء حقوق بشر نیست؟ آیا حق انتخاب شیوه زندگی برای یک دختر یا پسر ۱۲ ساله و یا زن و مرد جزء حقوق بشر نیست؟ میلیون‌ها روسپی که برای سیر کردن شکم خود مجبور به فروش تن خود هستند جزو محرومین از حقوق بشر به حساب نمی‌آیند و آیا میلیون‌ها انسانی که در فقر مطلق زندگی می‌کنند دارای حقوق بشر نیستند و حق استفاده از یک زندگی شرافتمندانه نباید جزو حقوق بشر به حساب آورد؟ هزاران کودکی که در کارگاه‌های شرکتهای بزرگ و معروفی چون نایک مجبور به بردگی هستند بشر نیستند و از حقوق بشر سهمی ندارند؟

هنگامی که از آزادی‌های اجتماعی صحبت می‌کنیم و آن را از اصول حقوق بشر می‌دانیم اما داشتن یک زندگی اولیه و ابتدایی را جزو حقوق بشر به حساب نمی‌آوریم و یا بر آن تاکید لازم را نداریم، درحقیقت میلیون‌ها انسان را که در تمام شبانه روز درگیر دغدغه‌ی آب و نان و مسکن خود هستند، از آزادی‌های اجتماعی محروم می‌کنیم، درحقیقت به آن چند میلیارد انسانی که مجبورند نیروی کار خود را بفروشند تا شکم خود را سیر کنند، می‌گوییم شما آزادیید که برده‌ی صاحبان قدرت و سرمایه باشید، اما آزاد نیستید که از مواهب و نعمات طبیعت همانند صاحبان قدرت و سرمایه استفاده کنید.

همه به خاطر داریم که چگونه تونی بلر و جورج بوش کنوانسیون حقوق بشر را کهنه خواندند و در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب و سایر زندان‌ها حقوق بشر را به سخره گرفتند و اوپاما نیز با همه‌ی ادعاهایش گوانتانامو را تعطیل نکرد و مسول سایت ویکی لیکس به جرم اطلاع رسانی بازداشت می‌شود و...

مساله آنجاست که نظام حاکم بر جهان گفتمان

حقوق بشر را تا آنجا می خواهد که برای تصفیه حساب با رقبا و مخالفین مورد استفاده قرار دهند و ابتدایی ترین حقوق بشر که همانا حق زندگی است، هیچ گاه در گفتمان حقوق بشر نقش مهمی نداشته است .

اکنون به راحتی کنوانسیون های کار کودکان از جانب نظام حاکم بر جهان نادیده گرفته می شود و در همه ی دنیا سرمایه داران بی دغدغه از کار کودکان استفاده می کنند و به اصطلاح صدها NGO و سازمان طرفدار حقوق بشر و حقوق کودکان هیچ تلاش مثمر ثمری برای لغو کار کودکان نمی کنند و به نظر می رسد فعالیت هایشان تنها سبب می شود که این کودکان به پذیرش شرایط خود عادت کنند.

زمان آن رسیده است که گفتمان حقوق بشر تغییر کند و حق زندگی شرافتمندانه و کار مناسب با درآمد مناسب برای هر انسانی جزء اصلی ترین موارد رعایت حقوق بشر قرار گیرد.

در روزگاری نه چندان دور آبر کامو گفته بود : اگر نتوان آزادی و عدالت را یک جا داشت و من مجبور باشم میان این دو یکی را انتخاب کنم آزادی را انتخاب می کنم تا بتوانم به بی عدالتی اعتراض کنم .

اما در اوایل قرن ۲۱ ، ما عدالت را انتخاب می کنیم . زیرا ممکن است آزادی را بدون عدالت داشت، اما ماهیت عدالت حکم می کند که هر انسانی برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه آزاد باشد، که هر انسانی از تمام مواهب طبیعی و

اجتماعی برخوردار باشد از جمله آزادی . اگر انسانی گرسنه نباشد و زیر خط فقر مطلق زندگی نکند ، اگر کودکی مجبور نباشد به خاطر زنده ماندن تن به بدترین کارها در سخت ترین شرایط بدهد، اگر زنان بسیاری مجبور نباشند برای رفع گرسنگی خود تن فروشی کند، اگر دیگر لازم نباشد سود سرمایه داران به بهای از بین رفتن کره زمین تامین شود، اگر همه ی انسان ها از بهداشت، آموزش ، مسکن، خوراک و پوشاک کافی و شغل مناسب بهره مند باشند، اگر ... دیگر برای چه آزادی فریاد کردن لارا می خواهیم و چه چیزی را فریاد خواهیم کرد؟ و همه اینها یعنی حقوق بشری که ما به آن اعتقاد داریم .

قلب فروزان سه مشعل آذر

در روزگارانی نه چندان دور

روز از زمان سرزمین مادری مان رفت

گم شد روز

این سرزمین غرق سیاهی شد

یلدای بی پایان و سخت و تیره و پرسوز!

جز سردی و تاریکی وحشت

جز سایه ی خفاش استبداد

جز ماتم و بیداد در سرزمین مادری مان،

کس ندید آن روز

خفاش غول آسای استبداد

خون خورده بود از پیکر خلقی عدالت خواه

زین پیکر خون داده، از وحشت

دیگر نه پاسخ بر سلامی می شنیدی نه سلامی،

هیچ

خورشید مهر و مهربانی هم

راهی برای پرتو افکندن نمی دانست

دیگر نه مهمانی دری می کوفت

نه میزبان در می گشود از بهر مهمانی

در زیر بال این ابر خفاش

کس بر نمی کرد از گریبان سر

تا باز بیند یاری و یاور

امید دیدار دگر، با صبح

سر رفته بود از ظرف این پیکر

بر آتشی با هیزم کولاک و دود زمهریر ترس

در یک چنین پاییز سخت و تیره، یک باره

سه مشعل آذر

در راه خلقی مانده در ظلمت

نوری دگر افکند

سه اختر تابان

در دست هر یک، قلبی افروزان

هر یک گرفته قلب خود در مشت

تا بر رگ کم خون آزادی

خونی ز عشقی شعله ور ریزد

این خون شعله ور بی شک

جاری است تا صبح حقیقی

در رگ این پیکر مجروح

دیوار نازک سکوت شکست

کسی نمی دانست که رنگ آسمان چرا تیره ست

یکی به آرامی کودکی ناتوان را دشنام داد و

دیگری پیری از پای افتاده را

زنی زیر لب، مردی تنها را ناسزا گفت و مردی،

زنی چند باره بیوه را

پیر، خویشتن از عصا آویخت

و کودک خود را از پستان چروکیده ی مادر

زن خود را از کتاب مقدس آویزان کرد

و مرد، از پای زن آویزان شد

هیچ روزنی به طلوع نبود

کودک پستان بی شیر مادر را رها کرد و فغان که:

شیر!

سقف و دیوار نازک سکوت شکست

و همه دیدند که آسمان صاف و آبی ست.

تحصیلات رایگان همین حالا

FREE EDUCATION NOW

موج اعتراضات و تظاهرات دانشجویی در شهرهای مختلف اروپا، علیه خصوصی سازی و افزایش بی رویه شهریه دانشگاه ها، که از چند ماه پیش شروع شده بود، هم چنان ادامه دارد. این اعتراضات، هفته های اخیر در ایرلند، انگلستان، اسکاتلند، ایتالیا، شیلی و یونان گسترده بود.



دهم نوامبر: هزاران نفر از مردم دوبلین به تظاهرات دانشجویان علیه حملات پلیس پیوستند و از اعتراضات جوانان و دانشجویان در اعتراض به کاهش بودجه مدارس و دانشگاه ها و افزایش شهریه ها حمایت کردند:



دهم نوامبر: بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم از اقصی نقاط انگلیس به تظاهرات گسترده در شهر لندن پیوستند تا علیه طرح های دولت در کاهش بودجه و محدود کردن خدمات اجتماعی - آموزشی و نیز افزایش هزینه ها و شهریه های تحصیلی و سیعا اعتراض نمایند. صدها تن از مردم اسکاتلند نیز در این اعتراضات به مردم انگلستان پیوستند:



۲۴ نوامبر: در این روز شهرهای مختلف انگلستان به ویژه لندن شاهد یکی از مهم ترین و بزرگترین اعتراضات و اعتصابات اخیر دانشجویان و جوانان و مردم معترض بود. بسیاری از دانش آموزان نیز با تعطیل کردن مدارس خود به صفوف تظاهرکنندگان و معترضان به سیاست های دولت پیوستند. پلیس انگلستان برخوردهای وحشیانه ای را علیه معترضین و تظاهرکنندگان سازمان داد.

**FREE
EDUCATION
NOW**

۳۰ نوامبر: اعتراضات به خصوصی سازی آموزش، کاهش بودجه ها و افزایش هزینه ها و نهایتا محدود شدن حق تحصیل برای دانشجویان و دانش آموزان نه تنها در انگلستان ادامه دارد، که در ایتالیا و شیلی هم به وقوع پیوسته است:

**تحصیلات
رایگان
همین حالا**



۲۳ سامبر: هزاران تن از دانشجویان یونان در اعتراض به کاهش بودجه های مدارس و دانشگاه ها از سوی دولت و نیز در هم بستگی با دانشجویان انگلیسی به خیابان ها آمدند و دست به تظاهرات اعتراضی زدند. این تظاهرات ها به خشونت کشیده شد و پلیس عده زیادی از دانشجویان را دستگیر نمود. تعدادی از دانشجویان طی حملات وحشیانه پلیس زخمی شدند:



**FREE
EDUCATION
NOW**

**تحصیلات
رایگان
همین حالا**

۸ دسامبر: شهرهای مختلف انگلستان و به ویژه لندن هم چنان صحنه اعتراضات و درگیری های دانشجویان و جوانان و مردم حامی آنها علیه سیاست های حکومت و برخوردهای پلیس است:



۹ دسامبر: درگیری ها با پلیس و اعتراضات در میدان پارلمان ادامه دارد:



تحصیلات

رایگان

همین حالا

FREE EDUCATION NOW

۱۸ دسامبر: علیرغم اعتراضات و تظاهرات وسیع و گسترده، در پارلمان رای به کاهش بودجه ها و افزایش شهریه ها داده شد و تظاهر کنندگان میدان پارلمان را به اشغال خود در آوردند. پلیس به شدت سعی به عقب راندن معترضین و متفرق کردن آنان نمود:



۲۲ دسامبر: هزاران تن از دانشجویان ایتالیایی در شهرهای رم، پالرمو، میلان و... دست به تظاهرات اعتراضی علیه سیاست های جدید دولت برلوسکونی و طرح های اصلاحی وی در مورد سیستم دانشگاه ها زدند. این اعتراضات به درگیری با پلیس منجر شد و پلیس به خشونت علیه تظاهرکنندگان اقدام کرد:

